



امام زمان

در کلام آية الله بهجت
(مد ظله العالی)

محمد تقی امیدیان

فصل

اول

معرفت به امام زمان علیه السلام

۱. حدیث ثقلین، دلیل زنده بودن امام

حقیقت اسلام، در ایمان است، به دلیل آیه الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ^۱ وَإِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا^۲ و امثال این‌ها. انسان عاقل، متوجه می‌شود که نبی، وصی می‌خواهد. وصایت تکویناً بقای نبوت است. بنده ندیده‌ام که کسی این‌گونه بگوید، ولی حقیقت مطلب همین است که دلیل بر وجود بقیه الله (عج) در این زمان، از ابتدای غیبت صغرا تا کنون، همان روایت ثقلین است با ضمیمه‌ای که در آن است:

«انّی تارکُ فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی... سَأَلْتُ رَبِّي أَنْ يَجْمَعَ بَيْنَهُمَا وَأَنْ لَا يُفَرِّقَ بَيْنَهُمَا فَاسْتَجَابَ لِي»^۳ این روایت، با ضمیمه «سَأَلْتُ رَبِّي...» دلیل بر این است که در هر جا و هر زمانی که قرآن هست و مأمور به، به طوری که

۱. مائده: ۳ «امروز دین شما را کامل کردم».

۲. مائده: ۵۵ «سرپرست و ولی شما، تنها خدا است و پیامبر او و کسانی‌اند که ایمان آورده‌اند».

۳. «من دو چیز گران‌بها از خود به‌جا می‌گذارم کتاب خدا و اهل بیتم. از پروردگارم خواستم که آن دو را باهم قرار دهد و از هم جدایشان نسازد خداوند هم اجابت فرمود» این حدیث در کتب و منابع روایی اهل سنت به صورتهای مختلف و بطور متواتر نقل شده است از باب نمونه به صحیح مسلم ج ۷ ص ۱۲۲، سنن ترمذی ج ۵ ص ۶۶۲.

مرجع است، حالا یا صورتاً یا واقعاً یا بعضاً یا تماماً، هر جا که قرآن باشد، شارح قرآن هم باید باشد، وصی پیغمبر هم باید باشد، یعنی، بقاء خود صاحب قرآن که «إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِّطَ بِهِ»^۱ خودش باید باشد. هر زمان که اسلام و قرآن هست، در همان زمان قائم، و ولی و عالم به اسلام و شارح قرآن که خود خدا معین کرده است، باید باشد. «لا يَفْرَقُ بَيْنَهُمَا!» نمی شود قرآن باشد ولی شارح قرآن نباشد!

لذا در خود روایات اهل تسنن، الی ماشاء الله، مواردی را ملاحظه می کنید که در مورد آیه شریفه قرآن یا در مورد احکامی که آنان صادر کرده اند، حضرات معصوم خصوصاً حضرت امیر علیه السلام، آن ها را توضیح و تبیین کرده اند، به طوری که اهل سنت نقل کرده اند که عُمَرُ در هفتاد موضع گفته است: «لَوْلَا عَلِيٌّ لَهْلَكَ عَمْرٌ»^۲ یا مثلاً زمانی که وجود مقدس رسول الله صلی الله علیه و آله از دنیا رفت، برادر ابوبکر آمد و گفت: «مَحَمَّدٌ لَا يَمُوتُ». «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نمی میرد» ابوبکر برای اثبات مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله به این آیه شریفه «أَفَايِنُ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ»^۳ استدلال کرد، و حال این که این نکته را نفهمیده که «إِنْ» در آیه شریفه قرآن «إِنْ» شرطیه است و به این معنا نیست که پیامبر می میرد یا کشته می شود، بلکه باید به این آیه شریفه قرآن «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»^۴ استدلال می کرد. این آیه، برای مرگ کلیه نفوس، دلیل است، نه آن آیه شریفه «أَفَايِنُ مَاتَ...»

۱. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۳۸، ج ۴۶، ص ۳۵۰، اصول کافی، ج ۸، ص ۳۱۱. «قرآن را فقط کسی که طرف خطاب آن است می فهمد».

۲. الاستیعاب، ج ۳، ص ۴۰؛ فیض القدر، ج ۳، ص ۳۵۷. «اگر علی نبود عمر هلاک می شد»

۳. آل عمران / ۱۴۴: «أَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَانًا وَلَا خَمْرًا وَلَا سُكْرًا وَلَا عَابَثًا وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْتَضُوا الْحَدِيثَ مِنَ اللَّهِ وَلَهُ يُخَوِّفُ الْفُجَّارَ»

۴. آل عمران / ۱۸۵: «هَر كَسِي مَرگ رَا مِي چَشْد»

واقعا آیا اینان شارح قرآن بودند؟! همین شارح بودن اهل بیت برای آیات شریفه قرآن که موارد عدیده‌ای از آن را خود اهل تسنن نقل کرده‌اند، دلیل قطعی بر ولایت و وصایت حضرات معصوم علیهم السلام است. روایت ثقلین با آن ضمیمه‌ای که در آن است، دلیل قطعی بر وجود امام زمان حیّ الی زمان ظهور است، نه این که بعداً موجود و متولد می‌شود.*

۲. لزوم تمسک به ثقلین

تمام شریعات، از اول دین تا آخر آن، یک کلمه است، و آن، بندگی خدا است و نباید آنی از این کلمه غفلت کنیم. هرکدام از ما به انبیا و اوصیا و وصی وقت (عج) شبیه‌تر باشیم، به هدف نزدیک‌تر هستیم، و هرکدام، از این وصایت و از این یادگار - که ثقلین باشند - دورتر باشیم، از خدا دورتریم و هرچه به این دو ثقل که قرآن و عترت است نزدیک‌تر باشیم، به خدا و هدف خلقت نزدیکتریم.

ما نباید خیال کنیم که توانایی اتکا به افکار و آراء خودمان را داریم! کسانی که به این ثقلین، اعتماد و تمسک ندارند، از هدف خلقت که همان بندگی خداست، دور هستند.

کسانی که می‌گویند: «ما، قرآن را می‌خواهیم، ولی عترت را نمی‌خواهیم»، در واقع، قرآن را هم نمی‌خواهند!

در قرآن آمده است: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»^۱

*. فیضی از ورای سکوت، ص ۲۷

۱. مائده / ۳: «امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خودم را بر شما تمام نمودم و اسلام را بعنوان آئین (جاودان) شما پذیرفتم.

چه چیزی خصوصیت دارد که آن موجب اکمال است و چه چیزی سبب اکمال اسلام است؟ همیشه، اسلام، دین مرضی خدا است. پس امروز (روز غدیر خم) روز تکمیل و اکمال این دین است و تمام رضای خدا در این است. اگر کسی هم بگوید: «من، عترت را می‌خواهم و قرآن را نمی‌خواهم.»، در واقع، عترت را نمی‌خواهد و عترت را ندارد!

عترت و قرآن، شیء واحدند. عترت، شارح قرآن برای ما است و قرآن، شارح عترت است و ما نمی‌توانیم با تمسک به یکی از تمسک به دیگری مستغنی شویم!

اگر کسی بگوید: «کتاب خدا، ما را بس است.»، این به معنای این است که کتاب خدا، از کتاب خدا کفایت می‌کند! آیا می‌شود یک هم چنین چیزی را گفت؟!

اگر کسی هم بگوید: «عترت برای ما کافی است و به قرآن کاری نداریم.»، این فرد، در واقع، با عترت کاری ندارد، زیرا، عترت اول و آخرش، قرآن است. متشابهات قرآن، برگشت به عترت می‌کند و تعلیمات، از عترت برگشت به قرآن دارد. به طوری که حضرات معصوم علیهم السلام در روایات فرموده‌اند:

«مَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ لَمْ أَقُلْهُ»^۱ پس قهراً، برای رسیدن به خدا، باید به همین وسائل، یعنی مقربان درگاه الهی متوسل شویم، «الاقرب فالاقرب» تا برسد به امام زمان علیه السلام.*

۱. کافی، ج ۱، ص ۶۹، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۷۹، ح ۱۵: «آنچه که مخالف کتاب خداست من نگفته‌ام.»

*. فیضی از ورای سکوت، ص ۵۱

۳. حدیث ثقلین واضح کننده مسئله غیبت

حدیث ثقلین از ادله اثبات غیبت امام زمان (عج) است، زیرا، در آن حدیث می فرماید: **إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا**^۱ یعنی، چه حاضر باشند و چه غایب. اگر کسی این حدیث را، تحقیق و معنای آن را تحصیل کند، مسئله غیبت خیلی برای او واضح خواهد بود، زیرا، در غیر این صورت، **لَزِمَ الْإِنْفِكَاحُ بَيْنَ الْقُرْآنِ وَالْعِثْرَةِ**^{*}

۴. رابطه توحید و ولایت عجله:

تمام انبیاء، مثل یک نبی واحد، و تمام اوصیاء، مثل یک وصی، واحد هستند. همه اینان از توحید نشأت گرفته اند. لذا در اول امر، حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» و ^{**} هیچ چیز دیگر نفرمودند.

در اول امر، همین کلمه را فرمودند و بعد از مدتی فرمودند: «هرکس

۱. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: **إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ، كِتَابٌ آتَى حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَعِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي، وَآنَهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ.**

من دو چیز گران بها و سنگین در میان شما به یادگار می گذارم که یکی از دیگری بزرگ تر است: یکی کتاب خدا که ریسمانی است که از آسمان به سوی زمین کشیده شده است و دیگری بستگان و خاندانم. این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا این که در (کنار) حوض (کوثر) بر من وارد شوند. «قرآن و عترت از هم جدا نمی شوند.»

مسند احمد بن حنبل ج ۳ ص ۱۴، مجمع الزوائد هاشمی، ج ۹، ص ۱۶۳، منتخب مسند عبد بن حمید، ص ۱۰۸، خصایص نسایی، ص ۹۳، مسند ابی یعلی، ج ۲، ص ۲۹۷، ۳۷۶، معجم صغیر طبرانی، ج ۱ ص ۱۳۱ والخ.

^{*} ۶۰۰ نکته ص ۶۹: (لازمة أن جدایی بین قرآن و عترت خواهد بود.)

^{**} «بگوئید لا اله الا الله تارستگار شوید»

دعوت مرا اجابت کند، او، وزیر و وصی من خواهد شد.» کسی جواب نداد. حضرت، این کلام را دو یا سه بار تکرار کردند. آخر کار، حضرت امیر علیه السلام بلند شدند و گفتند: «من، حاضرم.» و اجابت کردند. بعد هم ابولهب (عموی پیامبر) به تمسخر گفت: «برای مثل تو و دعوت تو، یک چنین طفلی باید اجابت کند و حرف تو را قبول کند. برای این، ما را دعوت کرده بودی» ببینید برادر و برادرزاده چه قدر باهم متفاوت اند! یکی جهنمی محض و دیگری بهشتی محض! اگر کسی حدیث ثقلین را قبول کند، این حدیث، خودش اقوا دلیل است بر این که امام زمان (عج) از همان زمانی که پدر بزرگوارش وفات کردند، موجود بوده است و تا کنون حی و زنده اند. حضرات معصوم علیهم السلام برای اثبات ولایت و وصایت خودشان، اقامه برهان کرده اند.

۵. توحید منشاء پذیرش ولایت

آیا در این اختلاف داریم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده است: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا»^۱ همین کلمه «لا اله الا الله» همه را درست می کند. اگر کسی، راستی راستی، از اصنام و انداد، جدا شود و موحد شود، مسلمان می شود، و اگر کسی به درستی مسلمان شد، برای خاطر این که موحد است، مؤمن می شود، و اگر کسی، راستی راستی، مؤمن و شیعه شود، برای این که نص نسبت به وصایت وصی و وصی الوصی همین طور تا به آخر،

۱. در منابع تاریخی و روایی این واقعه به حدیث یوم الدار معروف است. تاریخ طبری ج

۲ ص ۳۲۱-۳۱۹، الکامل فی التاریخ ابن اثیر ج ۲ ص ۴۲-۴۱.

۲. «بگوئید لا اله الا... تارستگار شوید»

قطعی است، وصایت همه‌ی اوصیاء علیهم السلام را می‌پذیرد. پس قهراً می‌شود گفت، توحید، همه‌ی این‌ها را در بر دارد و همه‌ی این‌ها، پشت سرش می‌آید. پس اگر حقیقت را بخواهیم، همان شهادت اولی^۱ از برای شهادت به وصایت خاتم الاوصیاء^۲ کافی است، چون همه این‌ها سلسله‌وار بر یک‌دیگر مترتب است. اگر کسی بخواهد وصی یکی از اوصیا را رد کند، با وجود اعتقاد و یقین به ثبوت وصایت او، در واقع، همان وصی را رد کرده است و همین‌طور کسی را هم که او این وصی را تعیین کرده، رد کرده است، تا به آخر مقصود این‌که اگر حساب‌اش را بکنیم، باید هر موحدی، به خاتمیت وصایت دوازدهمین ولی خدا اقرار داشته باشد و الا باید اشکال همین‌طور برود بالا و به توحیدشان اشکال کرد. لذا دعوت حضرت رسول صلی الله علیه و آله از همان اول بسم الله، به همان توحید بوده و ایشان مأمور بود که توحید را به مردم برساند. پس اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله راستگو است، و در این‌که می‌گوید «رسول الله است»، راستگو هم هست، همان پیامبر وصی و ولی بعد خود را تعیین کرده است و به مردم رسانده است «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»^۳ و اگر نعوذ بالله، دروغگو است، پس در توحیدی که حضرت منادی آن است، اشکال دارید. چون خود آن حضرت، توحید را در میان مردم نشر داده و آورده است. اگر کسی به یکی از ائمه اطهار علیهم السلام اعتقاد نداشته باشد در

۱. اشهد ان لا اله الا الله.

۲. منظور، وجود مقدس امام زمان (عج) است.

۳. مائده/ ۶۷: «ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده کاملاً (به مردم) برسان و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای.»

حقیقت، همان اصل توحید را ایمان ندارد بالأخره، مقصود، این است که ایمان به توحید، از برای اثبات وصایت آن حضرت که الآن تشریف دارد، کافی است. «عين الله الناظرة و أذنه الواعية»^۱ این حرف‌هایی که ما باهم می‌زنیم، آن حضرت جلوتر می‌شنوند. ما قائل هستیم به این که حضرات معصوم علیهم السلام خلیفه پیغمبر هستند و از طرف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله منصوب شده‌اند، اما مخالفان، می‌گویند: «ما خودمان خلیفه شدیم. کسی ما را خلیفه نکرده است.» اینان رفیق نیمه راه هستند. همین طور فرقی مختلف شیعه، از نبود توحید درست و از انحراف از آن به وجود آمده‌اند: یک امامی، دو امامی، سه امامی...، واقفیه، فطحیه، اسماعیلیه^۲ تا به آخر. مثلاً امام صادق علیه السلام از افراد مختلف خواستند که شهادت بدهند اسماعیل بن جعفر وفات کرده است؛ برای این که حضرت می‌دانست، همین، سبب می‌شود که عده‌ای منحرف بشوند و فرقه اسماعیلیه را به وجود آورند. به خاطر اخبار از مغیبات، به آن حضرت «صادق» لقب داده‌اند؛ برای این که آتیه را می‌دید و می‌گفت.

۶. ولایت ادامه نبوت

نبوت، مترتب است بر توحید، و وصایت، مترتب است بر نبوت در حقیقت، وصایت، بقاء نبوت است، به طوری که اگر نبوت لازم باشد،

۱. بخشی از زیارت مطلقه حضرت علی علیه السلام. مفاتیح الجنان؛ بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۳۰۵: «چشم بینای خدا و گوش شنوای خدا هستند».

۲. فرق مشهور که منسوب به شیعه‌اند، عبارت‌اند از کیسانیه، زیدیه، اسماعیلیه، فطحیه، واقفیه، خطابییه، مغیرییه، غلات. کلیات علم رجال، آیه الله جعفر سبحانی، ص ۴۱۱، شیعه در اسلام علامه طباطبایی، ص ۳۴، با دائرة المعارف تشیع، ۲۶، ص ۱۷۳، ج ۲.

وصایت و ایصاء هم لازم است، و اگر نبوت لازم نباشد، این‌ها هم لازم نیست. بین حدوث و بقاء وصایت نباید فرق گذاشت. پس قهراً اینان با رسالت مخالف‌اند و با رسالت مخالف نیست. مگر کسی که با توحید مخالف باشد! لذا زمخشری در شعرش می‌گوید: «وان حنبلیاً قلت...»^۱.

می‌گوید: نباید از انسان سؤال کرد «از چه کسی تقلید می‌کنی؟» اگر بگویی از ابوحنیفه تقلید می‌کنم، او «بیح الطلی و هو الشراب المحرم» و مالک، فلان جور می‌گوید، و شافعی، فلان جور می‌گوید، و ابن حنبل، فلان جور می‌گوید که قائل به جسم (مجسم) بودن خداوند تبارک تعالی -نعوذ بالله- هستند.

مجسمه از اهل تسنن، در زمان امام جواد علیه السلام که همان ابن حنبل باشد،

۱. زمخشری مذاهب اربعة اهل سنت را با اشعاری طعن کرده و می‌گوید:

الف: اذا سألوا عن مذهبي لم أبح به	واكتمه كتمانہ لی أسلم
ب: فان حنفياً قلت: قالوا بانئني	أبيح الطلا و هو الشراب المحرم
ج: و ان مالكياً قلت: قالوا بانئني	أبيح لهم اكل الكلاب وهم هم
د: و ان شافعيًا قلت: قالوا بانئني	أبيح نكاح البنت و البنت تحرم
و: و ان حنبلياً قلت: قالوا بانئني	ثقیل حلولی بغيض مجسم

الف) اگر از مذهبم سوال کنند بازگو نمی‌کنم و آن را کتمان می‌کنم که کتمانش برایم بهتر و سالم‌تر است.

ب) اگر بگویم من حنفی هستم، به من می‌گویند، آب انگور جوشیده را که همان شراب حرام است، مباح و حلال می‌شمردم.

ج) و اگر بگویم من مالکی هستم، به من می‌گویند، گوشت سگ را حلال می‌دانم، در حالی که ایشان حالشان معلوم است.

د) و اگر بگویم من شافعی هستم، به من می‌گویند ازدواج با دختر را حلال می‌دانم، در حالی که نکاح با دختر حرام است.

و) و اگر بگویم من حنبلی هستم، به من می‌گویند، خدا را جسم سنگین و در حالی که حلول در اشیاء می‌کند و کم ارزش و جسم است می‌دانم. الکشاف، ج ۱، ص ۷۰.

بوده‌اند. لذا می‌بینیم که مرحوم آقا شیخ عبدالحسین رشتی^۱، در اوایل تأسیس دارالتقريب بين المذاهب برای آنان نوشت که «چه طور ما می‌توانیم با اهل تسنن نزدیک شویم و حال آن‌که آنان خدا را جسم می‌دانند.»

مرحوم آقای بروجردي فرمودند، این نامه آقا شیخ عبدالحسین را به دارالتقريب در مصر فرستادیم که شما چه جوابی دارید؟ مسئولان دارالتقريب، همه، برای تمام ممالک اسلامی این مطلب را فرستادند که «شما چه جوابی دارید؟» ایشان می‌فرمودند: چهار ماه طول کشید تا این‌گونه جواب دادند: «اليوم، علماء، اتفاق دارند که خدا جسم نیست.»! عجب! شما قائل به تجسم را یکی از ائمه اربعه خودتان می‌دانید، بعد می‌گویید، علماء، اتفاق دارند بر خلاف او؟! یعنی حالا با او مخالف‌اید؟!!

۷. امام، آینه حقیقت نما

اگر مسئله امام‌شناسی بالا رود، خداشناسی هم بالا می‌رود، زیرا، چه آیتی بالاتر از امام علیه السلام؟ امام، آینه‌ای است که حقیقت تمام عالم را نشان می‌دهد.*

۸. اهل بیت علیهم السلام، نور واحد

اهل بیت علیهم السلام همه، نور واحدند. لذا انسان به هر کدام متوسل شود، از دیگری جواب می‌گیرد. البتّه مُصَحَّحی در کار است. هم چنان که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله حاجت خواسته‌اند و ایشان به حضرت امیر علیه السلام و آن حضرت به امام حسن علیه السلام تا امام زمان (عج) حواله داده‌اند؛ زیرا، مچری

۱. شیخ عبدالحسین رشتی (تولد ۱۲۹۲ هـ.ق) (وفات ۱۳۷۳ هـ.ق) طبقات اعلام الشیعه، نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، قسمت سوم ص ۱۰۶۴ - شیخ آغا بزرگ تهرانی.

امور، در این زمان، آن حضرت است پارسال، شخصی در مشهد کنار من آمد و گفت: «دیشب در حرم امام رضا علیه السلام پنج کرامت از آن حضرت مشاهده کردم.» هم چنین عجیب این که امسال شنیدم، دو نفر عرب که از معاودان مقیم مشهد بودند، به بیماری سختی مبتلا شدند و جداگانه برای شفا و قضای حاجت خویش به امام رضا علیه السلام متوسل شدند و هر دو گفتند: همان شب توسل، در خواب، حضرت معصومه علیها السلام را دیدیم که فرمود: حضرت رضا علیه السلام فرمودند:

«حاجت شما بر آورده شده است.» و به یکی از آن دو که کنار سرش به عمل جراحی احتیاج داشته، فرموده:

«دیگر احتیاجی به عمل نداری.» و به دیگری فرموده: «خیلی گریه کردی! زیاد گریه نکنید؛ زیرا، حضرت، از گریه شما زوار و دوستان، متأذی و متأثر می شوند.» اینان و اهل بیت علیهم السلام باهم اتحاد و اتصال دارند.*

۹. ناسپاسی مردم، منشاء غیبت

قرآن چه موجودی است که در مراتب مختلفه نزول، حکایت از شنیدنی‌ها و دیدنی‌ها می‌کند. عدیل قرآن (عترت) هم حکایت از نعمت‌های عالم می‌کند، ولی ما از غم خوار و هادی و حامی و ناصرهای خود، قدردانی و شکرگزاری نمی‌کنیم و واسطه خیر را پی می‌کنیم که: فَعَقَرُواهَا^۱

ائمه علیهم السلام را که ولی نعمت‌های ما و مجاری فیض ما هستند، نمی‌توانیم

* ۶۰۰ نکته، ص ۱۷۴.

۱. هود: ۶۸؛ شعراء: ۱۵۷؛ شمس: ۱۴، «پس ناقه را پی کردند.»

۳۰ □ امام زمان علیه السلام در کلام آیت الله بهجت

مشاهده کنیم. امام زمان (عج) هم اگر بیاید، با او همان معامله را می‌کنیم که با آبای طاهرینش کردیم! آیا می‌شود امام زمان (عج) چهارصد میلیون یاور داشته باشد و ظهور نکند؟!*

۱۰. کفر باطنی دشمن اهل بیت

کسانی که اهل ولایت نیستند، «مَنْ خَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ»^۱ در حقیقت، همان کافرانند! کفر باطنی دارند!

۱۱. محبت اهل بیت علیهم السلام، اعظم عبادات

محبت و ولایت اهل بیت علیهم السلام خود، یک عمل است و واجب، بلکه از اعظم طاعات و واجبات است، به حدی که فرموده‌اند: «لَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا تُودَى بِالْوِلَايَةِ»!^۲

البته نماز، روزه، زکات، حج هم واجب است. محبت، هر قدر رتبه‌اش بیش‌تر باشد، اثر آن در اعمال دیگر بیش‌تر خواهد بود. در قرآن شریف می‌فرماید:

«إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى».^۳

اگر چیز دیگری غیر از مودت اهل بیت علیهم السلام برای مردم نافع‌تر بود، بیان می‌شد. البته ما متأسفانه به آنان محبت داریم، اما در راه و مکتب آنان

* ۶۰۰ نکته، ص ۱

۱. مجادله: ۲۲، «کسانی که با خدا و رسول خدا دشمنی می‌ورزند»

۲. به هیچ چیز، همانند ولایت فرا خوانده نشده است.

۳. به جز مودت نزدیکان [من].

معرفت به امام زمان علیه السلام □ ۳۱

نیستیم، لذا مثل آنان نماز نمی خوانیم و مثل آنان حج بجا نمی آوریم*.

۱۲. ولایت اهل بیت، شرط صحت عمل

سؤال: آیا ولایت اهل بیت علیهم السلام، شرط قبولی اعمالی است یا شرط صحت آن؟

جواب: ولایت اهل بیت، شرط صحت عمل است. نجات، برای کسی است که اهل بیت علیهم السلام را در همه جا، مورد تخاطب و حاضر ببیند.

۱۳. لزوم قدردانی از نعمت ولایت

قم به اهل بیت علیهم السلام منسوب است. آقای بروجردی، «رحمة الله علیه»، می فرمودند، روایتی که در طریق آن قمی نباشد، یا نیست یا کم است! خدا کند این توجه و ارادت و محبت نسبت به اهل بیت علیهم السلام در ما باقی بماند! اهل مکه و مدینه هم نعمت ولایت و اهل بیت علیهم السلام را داشتند، ولی در روایت آمده است که آنان از نعمت ولایت قدردانی نکردند، لذا به اعاجم منتقل گردید.^۱

خدا کند مای عَجَم هم نعمت مفت به دست آمده را مفت از دست ندهیم!***

۱۴. شناخت مقام و منزلت ائمه اطهار علیهم السلام

ائمه علیهم السلام درباره مقامات خود فرموده اند:

*. ۶۰۰ نکته، ص ۲۹۵

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۸۰؛ بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۳۰۴، ج ۴۹، ص ۲۳۲.

** ۶۰۰ نکته ص ۲۱۲.

«نَحْنُ خُزَّانُ عِلْمِ اللَّهِ، نَحْنُ تَرَاجِمَةُ أَمْرِ اللَّهِ، نَحْنُ قَوْمٌ مَعْصُومُونَ، أَمَرَ اللَّهُ بِطَاعَتِنَا، وَ نَهَى عَنِ مَعْصِيَتِنَا، نَحْنُ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ عَلَى مَنْ دُونَ السَّمَاءِ وَ فَوْقَ الْأَرْضِ.»^۱

نیز فرموده‌اند:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَصَّنَا بِنَفْسِهِ، جَعَلَ طَاعَتَنَا طَاعَتَهُ وَ مَعْصِيَتَنَا مَعْصِيَتَهُ.»^۲

وای بر کسی که این مقامات را برای ائمه علیهم السلام قائل نباشد! وای بر کسی که این مقامات را برای آنان بالذات بداند!*

۱۵. ولایت، بالاترین عبادت

در فضل نماز، فعلاً، روایتی بالغ‌تر و رساتر از این روایت در نظر نیست که می‌فرماید:

الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ^۳

همچنین در روایت داریم: «لَوْ يَعْلَمُ الْمُصَلِّي مَا يَعْشَاءُ مِنْ جَلَالِ اللَّهِ، مَا انْقَلَبَ مِنْ صَلَاتِهِ»^۴

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۶۹: «ما گنجینه داران علم الهی، ما مترجم دستور خدا، ما افراد معصومی هستیم که خداوند دستور داده است که همه از ما اطاعت کنند و از نافرمانی ما خودداری کنند. ما بیم حجت رسای خداوند بر تمام آن چه زیر آسمان و بالای زمین قرار دارد.»

۲. ماخوذ از مضامین آیات و روایات، بویژه سوره نساء: ۵۹: «خداوند متعال ما را به خود اختصاص داد. پیروی از ما را پیروی از خود، و نافرمانی از ما را نافرمانی از خود قرار داده است.»

* ۶۰۰ نکته، ص ۱۹۵.

۳. بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۲۴۷ و ۳۰۳، ج ۸۱، ص ۳۵۵: «نماز، معراج و نردبان ترقی مؤمن است.»

۴. «اگر نمازگزار می‌داند که از جلال الهی چه اندازه او را فرامی‌گیرد، هرگز از نماز

و نیز از حدیث «كُلُّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِصَلَاتِكَ»^۱

معلوم می شود که نماز از همه اعمال عبادی، بالاتر است، اما از حدیث:

لَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوِلَايَةِ^۲

استفاده می شود که ولایت از بین عبادات^۳ ختمه، از همه بالاتر است

۱۶. اطاعت، لازمه معرفت

درباره معرفت و اعتقاد به امام علیه السلام اَدْنَى الْمَعْرِفَةِ كَافِي است. آن، این

است که فقط معتقد باشیم که او، امام مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ^۴ و وصی پیغمبر صلی الله علیه و آله

است و لو اسم او را - و این که مثلاً او همان کسی است که با معاویه یا با

روى بر نمى گرداند.»

این عبارت برگرفته از دو روایت است:

الف) لَوْ يَعْلَمُ الْمُصَلِّيُّ مَا فِي هَذَا الصَّلَاةِ مَا انْقَلَبَ (اگر نمازگزار می دانست که چه چیز در این

نماز نهفته است، هرگز از آن روی بر نمی گرداند) کافی، ج ۳، ص ۲۶۵؛ وسائل الشیعه،

ج ۴، ص ۳۲.

و یا: لَوْ يَعْلَمُ الْمُصَلِّيُّ مَنْ يُنَاجِي مَا انْقَلَبَ (اگر نمازگزار می دانست که با چه کسی مناجات

می کند، هرگز از آن روی بر نمی گرداند)

من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۱۰، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۳۳، ج ۷، ص ۲۸۹.

ب) لَوْ يَعْلَمُ الْمُصَلِّيُّ مَا يَعِشَاهُ مِنْ جَلَالِ اللَّهِ مَا سَرَّهُ أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ مِنْ سُجُودِهِ (اگر نمازگزار

می دانست که در حال نماز تا چه حد جلال الهی او را فرا گرفته است، خوش

نمی داشت که سر از سجده بردارد)

مستدرک الوسائل، ج ۳ ص ۸۰ بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۱۰، خصال، ج ۲، ص ۶۳۲،

بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۰۷.

۱. نهج البلاغه، ص ۳۸۳، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۶۱، بحار الانوار، ج ۳۳ ص ۵۸۱، ج ۷۴

ص ۳۹۲، ج ۸۰ ص ۱۴. «تمام اعمال تو، در قبول یا رد تابع نماز است.»

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸-۲۱، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۷، بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۳۳۲.

«به هیچ چیز به اندازه شما ولایت فرا خوانده نشده است.»

۳. عبارت اند از: نماز، روزه، حج، زکات، ولایت.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۵۴؛ بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۳۵.

مروان و طلحه جنگید - را ندانیم. همچنین دانستن ترتیب آنان و این که امام چندم است، لازم نیست. خدا کند آن چه را که از ما می خواهند، انجام دهیم و آنچه را که می خواهند انجام ندهیم، انجام ندهیم.*

۱۷. خضوع در برابر حق

یکی از بزرگان که به خاطر جلالت قدرش، احتمال می رفت بعد از محمد بن عثمان بن سعید، جای حسین بن روح، به نیابت خاص تعیین شود، با کمال ادب و احترام، دو زانو مقابل حسین بن روح قرار گرفت! آیا ما نیز در وقت امتحان، چنین هستیم و در مقابل حق خاضع ایم؟!***

۱۸. راه بهره بردن از امام عصر

۲- به نظر شما کمال انسان چیست؟ اسباب آن چیست؟ اگر در حال حاضر، فردی را می توان الگو قرار داد و شما می شناسید، معرفی کنید؟
ج: باسمه تعالی - کمال انسان، در عبودیت است، و سبب عبودیت، ترک معصیت در اعتقاد و عمل است.

فرد کامل، مرشد است و در این عصر، [فرد کامل] ولی عصر (عج) است. طریق رسیدن به ارشاد او، ادامه توسلات معلومه است، از قبیل زیارات مأثوره، از روی صدق و با عدم تردید، و نمازهای آن

*. ۶۰۰ نکته، ص ۶۲.

۱. شخصیت یاد شده، احمد بن متیل است که پس از انتخاب حسین بن روح به نیابت خاصه حضرت حجت (عج) از بالا دست مجلس برخاست و حسین بن روح را به جای خود نشانده و خود در مقابل پای او نشست. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۵۴؛ الغیبه، شیخ طوسی، ص ۳۷۰.

***. ۶۰۰ نکته، ص ۱۴۲.

حضرت علیه السلام و همهٔ تحبیبات به خدا و دوستان او.

۱۹. تبعیت از امام عصر (عج)، منشاء کمالات

کسی که به خالق و مخلوق، متیقن و معتقد باشد، و با انبیا و اولیا، صلوات الله. علیهم، جمعاً مرتبط و معتقد باشد، و توسل اعتقادی و عملی به آنان داشته باشد، و مطابق دستور آنان حرکت و سکون کند، و در عبادات، قلب را از غیر خدا، خالی کند، و فارغ القلب، نماز را که همه چیز تابع آن است، انجام دهد، و با مشکوک‌ها، تابع امام عصر، «عجل الله له الفرج.» باشد، یعنی، هر که را امام، مخالف خود می‌داند، با او مخالف باشد، و هر که را موافق می‌داند، با او موافق، و لعن کند ملعون او را، و ترحم کند بر مرحوم او، و لو علی سبیل الاجمال، هیچ کمالی را فاقد نخواهد بود و هیچ وزر و وبالی را واجد نخواهد بود.*

۲۰. توسل، راه خشوع

سؤال: برای اینکه در انجام دادن فرمان‌های الهی، مخصوصاً نماز، با خشوع باشیم، چه کنیم؟

جواب: در اوّل نماز، توسل حقیقی به امام زمان، «عجل الله تعالی فرجه.» کردن که عمل را با تمامیت مطلقه انجام بدهید.**

*. به سوی محبوب، ص ۳۲.

** به سوی محبوب، ص ۵۲.

۲۱. التزام قلبی و عملی به امامت امام علیه السلام

مرتبه اول در اعتقاد به امامت ائمه علیهم السلام التزام قلبی به وصایت و خلافت ائمه اطهار علیهم السلام و سفارش رسول خدا صلی الله علیه و آله به آنان به نام هایشان و نام پدران بزرگوارشان، و مرجعیت ایشان است، و مرحله بعد، التزام عملی به متابعت از آنان است، نه این که نماز بخوانیم و آنان و امامت آنان را قبول نداشته باشیم! کسی که به آنان اعتقاد نداشته باشد و از امامت انحراف داشته باشد، هلاک است، گرچه نماز بخواند؛ چون، اعتقادش خراب است. وای بر کسانی که مدعی قرب به خدا هستند، اما ولی او را نمی شناسند!*

۲۲. امام عصر (ع)، ناظر بر اعمال

آیا نباید توجه داشته باشیم که ما رییسی داریم که بر احوال ما ناظر است؟! وای بر حال ما اگر در کارهایمان او را ناظر نبینیم و یا او را در همه جا ناظر ندانیم! گناهان شخصی که در خلوت انجام می گیرد و ربطی به امور اجتماعی ندارد، استحقاق جهنم را دارد، «إِلَّا بِتُوبَةٍ مُنَاسِبَةٍ لِّلْحَالِ»^۱. عواقب گناهان اجتماعی که موجب تغییرات در جامعه و اختلال نظام و انحلال آن، و یا تحریم حلال و ترک واجب و یا مصادره اموال و هتک حرمت و قتل نفوس زکیه و ریختن خون مسلمانان و حکم به ناحق و... می شود، چه گونه خواهد بود؟

با وجود اعتقاد به داشتن رییسی که «عین الله الناظره»^۲ است، آیا

* ۶۰۰ نکته، ص ۵۷.

۱. «مگر این که بعد از آن، توبه ای مناسب حال انجام گیرد»

۲. بحار الانوار ج ۲۶ ص ۲۴۰، توحید صدوق ص ۱۶۷، معانی الاخبار ص ۱۶.

می توانیم از نظر الهی فرار کنیم و یا خود را پنهان کنیم؟ و هر کاری را که خواستیم انجام دهیم؟! چه پاسخی خواهیم داد؟! همه ادوات و ابزار را از خود او می گیریم و به نفع دشمنان به کار می گیریم، و آلت دست کفار و اجانب می شویم و به آنان کمک می کنیم؟! چه قدر سخت است اگر برای ما این امر ملکه نشود که در هر کاری که می خواهیم اقدام کنیم و انجام دهیم، ابتدا، رضایت و عدم رضایت او را در نظر بگیریم و رضایت و خشنودی او را جلب کنیم! البته رضایت و سخط او در هر امری معلوم است و ظاهراً منتهی به واضحات می شود و در غیر واضحات و موارد مشکوک، باید احتیاط کنیم.

در همین اواخر، اتفاق افتاده که شخصی در تقلید و تعیین مرجع شایسته، شک و تردید داشت. در خواب، چهره شخص مورد نظر را به او معرفی کردند. به نجف رفت و پس از مدتی جستجو پیدا کرد او را. هم چنین برای بعضی اتفاق افتاده که در بقاء بر تقلید و یا عدول به حی، تردید داشته اند، و از قبر معصوم شنیده است که «باقی باش». البته، هر کدام از این نقل ها، قابل تکذیب است، ولی از مجموع این قضایا، معلوم می شود که امام زمان (عج) متوجه و مراقب ما است و نمی توان گفت، از احوال ما مطلع نیست و ما هر کار و یا هر چه را خواستیم، می توانیم آزادانه انجام دهیم.

۲۳. اشراف امام عصر علیه السلام

گویا بنابراین است که در عمل، خدا نادیده گرفته شود، با این که در روایت «کافی» دارد که: «در هر شهری، عمودی از نور است که امام علیه السلام

اعمال بندگان را در آن می بیند، و یا مَلکی برای او خبر می آورد.»^۱
همچنین روح القدس، مؤید او و با او است، غیر از آن روحی که هر سال
یک بار در شب قدر، بر او نازل می شود.^۲

بنابراین، اگر مثلاً پرده‌ای هم دور عمل خود بکشیم، فایده‌ای ندارد و
دید امام علیه السلام نافذتر است، و در برابر چشمان واقع بین او، مانع و حایل ایجاد
نمی کند هم چنین در رؤیت امام علیه السلام مقابله و مجازات، شرط نیست، بلکه
هر جا که نشسته، بر ارضین سفلی و سماوات سبع و ما فیهنّ و ما بینهنّ، اشراف
دارد.*

۲۴. هدایت مردم، منشا عنایت امام عصر (ع)

بعضی از حیوانات، مانند زنبور عسل و حیوانات شیرده، به مردم منفعت
می رسانند، انسان نیز ممکن است برای دین و مردم نافع باشد. اگر ما نیز به
اندازه توان خود در هدایت مردم تلاش و کوشش کنیم، آیا امکان دارد که
مورد عنایت «عین الله الناظرة»^۳ و امام زمان (عج) نباشیم؟!

اگر در راه آن حضرت باشیم، چنانچه به ما بد و ناسزا هم بگویند و یا
سخریه کنند، نباید ناراحت شویم، بلکه هم چنان باید در آن راه حق و
حقیقت، ثابت قدم و استوار باشیم و در ناملايمات صبر و استقامت داشته باشیم.**

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۸۷، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۳۸-۳۹-۴۲، ج ۲۶، ص ۱۳۳، ۱۳۴، ۳۱۸.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۹۸؛ بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۴۷، روایات باب ۳؛ بصائر الدرجات، ص ۴۱۵، روایات باب ۱۵.

*. ۶۰۰ نکته، ص ۸۹

۳. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۴۰؛ توحید صدوق، ص ۱۶۷؛ معانی الاخبار، ص ۱۶.

** ۶۰۰ نکته، ص ۱۰۳

۲۵. غفلت از آگاهی امام

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بندگانی هستند که علم و صوابشان مُطَرِّد است، یعنی، با داشتن مقام عصمت، نه خطا می کنند و نه خطیئه و امام زمان (عج) عَيْنُ اللَّهِ النَّاطِرَةُ وَ أُذُنُهُ السَّمِيعَةُ وَ لِسَانُهُ النَّاطِقُ وَ يَدُهُ الْبَاسِطَةُ^۱ است و از اقوال و افعال، افکار، و نیات ما اطلاع دارد، مع ذلك، گویا ما، ائمه علیهم السلام و به خصوص امام زمان (عج) را حاضر و ناظر نمی دانیم، بلکه گویا مانند عامه، اصلاً زنده نمی دانیم و به کلی از آن حضرت غافل هستیم!*

۲۶. رضایت حضرت

تمام شیعیان، به منزله اولاد فاطمه علیها السلام هستند، ولی خدا می داند که چه کارهایی می کنیم که شاید سبب می شود آن حضرت از ما و کار ما ناراضی شود!***

۲۷. رضایت حضرت حجت علیه السلام، ملاک اعمال

ما نباید در امور اجتماعی به دیگران نگاه کنیم و از این و آن پیروی کنیم، زیرا، افراد، معصوم نیستند. هر چند بزرگ و بزرگوار باشند، بلکه باید نگاه کنیم و ببینیم اگر خودمان تنها بودیم و دیگران نبودند، آیا انجام می دادیم یا نه؟ نباید به دیگران کار داشته باشیم! ما نباید خود را با اهل سنت قیاس کنیم!

۱. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۴۰، ج ۴۰، ص ۹۵؛ توحید صدوق، ص ۱۶۷؛ معانی الاخبار،

ص ۱۶: «چشم بینا، گوش شنوا، زبان گویا، و دست گشاده خداوند»

*. ۶۰۰ نکته، ص ۲.

** ۶۰۰ نکته، ص ۱۸۳

۴۰ □ امام زمان علیه السلام در کلام آیت الله بهجت

ما باید رضا و میل امام زمان (عج) را در کارها به دست آوریم، چه در مصرف سهم امام علیه السلام و چه در کارهای اجتماعی!*

۲۸. ذلت، نتیجه عمل

آیا ما راه را پیدا کرده‌ایم که در راه باشیم؟! خودمان از روز اول کاری کردیم که نتیجه‌اش این شد که ما ذلیل و خوار باشیم و کفار عزیز و آقای ما باشند و از پول نفت و ثروت‌های خودمان بر ما تصدق کنند و ما، در راه امیال و هوس‌های آنان هر وقت که بخواهند، قربانی شویم.**

۲۹. خطر ناآگاهی دینی

این، از بی سوادی است که آن آقا می‌گوید: «قرآن فرموده: وَالْأَرْضُ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ^۱، پس معنایش این است که هیچ میزی و تفاوت و اختلاف نیست و همه یکسان‌اند در مالکیت و در انتفاع از ارض.»! نمی‌داند که این «لام»، «لام عاقبت» است و، «لام انتفاع» است! نمی‌داند که روایاتی هم در کنار آیه آمده که مفسر آیه است! آن‌ها را هم باید ملاحظه کرد! این آدم‌های بی سواد، مردم مثل خود را هم گمراه می‌کنند! اول، با قرآن جلو می‌آیند، ولی هدف این است که همین قرآن را از دست مردم بگیرند، کار به جایی می‌رسد که می‌گوید: «قرآن را بسوزانید.»! البته ما به این امر می‌خندیم، ولی واقع، همین است! اگر ما در استدلال قوی نباشیم، دشمنان بر ما غالب می‌شوند! آنان پول خرج می‌کنند و همین بی سوادها را با پول

*. ۶۰۰ نکته، ص ۱۰۱

۱. ظاهراً، حضرت آیه‌الله بهجت، مدّ ظله العالی، اشاره به ماجرای سقیفه دارد.

** ۶۰۰ نکته، ص ۵۳

۲. رحمان / ۱۰: «زمین را برای خلایق آفرید»

می خورند! این بی سوادی، دین درست می کند! آن بهایی گفته: «اصلاً، در قرآن شما، به سید علی محمد باب اشاره شده! همین «جمعسق» یعنی قائم سید علی محمد!» البته باید از چپ بخوانید پس ما برای همه مطالب، محتاج علم ایم و محتاج استدلال ایم. بیش تر از همه، به این ها محتاج ایم؛ چون مسئله، مسئله دین است و باید در مقابل این بی سواد و جُهال وارداتی، بایستیم! اینان روی این افرادشان، کار می کنند. لازم نیست رسوا هم بشوند. این افراد، به طور مخفیانه پول می گیرند. پس ما باید علم کلام را خوب یاد بگیریم و در برابر اینان پاسخگو باشیم و گرنه گرگ ها، ما را می خورند، آن چنان که به هضم رابع برسد!!*

۳۰. اهل بیت علیهم السلام، راه سعادت

یکی از شاگردان حضرت استاد^۱ نقل می کند:
گاهی حضرت آقای بهجت (دام عزه) به عنوان طعن و طنز می گفتند:
بله ماها دنبال یک چیزی می گردیم برای تکاملمان که نه خدا گفته باشد
نه پیغمبر و نه امام.

اما دنبال یک همچین چیزی می گردیم و خیال می کنیم راه سعادت
یک چیزی است که نه خدا گفته نه پیغمبر نه امام. در صورتیکه قاعدتاً
آنچه آنها بیشتر گفته اند و بیشتر تأکید کرده اند آن موجب سعادت ماست
چطور ممکن است که چیزی تأثیر در سعادت انسان داشته باشد و آنها از
آن غفلت کرده باشند و نگفته باشند و واگذار کرده باشند به اینکه یک
پیری، مرشدی، قطبی بیاید بیان کند؟ آیا ممکن است همچین چیزی؟!*

*. برگگی از دفتر آفتاب، ص ۸۸

۱. حضرت آیه الله مصباح یزدی.

۴۲ □ امام زمان علیه السلام در کلام آیت الله بهجت

و یا ممکن است چیزهایی را که تأکید کرده‌اند چندان اهمیتی نداشته و آنچه مهم بوده یک چیزهایی است که در کتاب و سنت خیلی کم درباره‌اش گفتگو شده باشد؟! اینها معقول نیست.*

۳۱. خسران واقعی

وای بر ما اگر هم دنیا و اهل آن از ما روگردان باشند، و هم امام زمان (عج) از ما روگرداند و ما را قبول نداشته باشد!

۳۲. مقام اهل بیت علیهم السلام در روایات عامه

در روایات عامه، عالی‌ترین مقام برای اهل بیت علیهم السلام موجود است.**

۳۳. اثبات حضرت مهدی (عج) در منابع اهل سنت

برای اثبات حقایق تشیع، روایات اهل تسنن کفایت می‌کند. این، از واضحات است. روایات معتبره پیش اهل سنت برای اثبات تشیع، به قدری زیاد است که دیگر نیازی به مراجعه به منابع تشیع نیست. یاد می‌آید زمانی روایاتی را به این مضمون «الأئمة بعدی اثنا عشر، تسعة منهم من ولد الحسين علیه السلام، تاسعهم المهدی (عج)»

به طوری که در بسیاری از این روایات، اسم آن تسعه هم ذکر شده است. از منابع اهل تسنن یادداشت می‌کردم. نظرم است، بیست روایت از آنان را ضبط کردم با توجه به این که هیچ‌کدام از این بیست روایت، از نظر سندی با دیگری هیچ‌گونه تداخلی نداشت و این روایات، به بیست نفر از صحابی رسول الله صلی الله علیه و آله منتهی می‌شوند که حضرت علی علیه السلام جزء این

*. نقل از کتاب خاطرات آیه‌الله مصباح یزدی از آیه‌الله بهجت.

** ۶۰۰ نکته، ص ۲۱۳

صحابه نیست و در بین آنان نیاورده‌اند. حتی ابوبکر، عمر، عثمان،... جزء همان صحابه ناقلین در این روایات هستند. در واقع این روایات، پیش آنان متواتر است، زیرا، تواتر در نزد اهل سنت نسبت به شیعه خیلی آسانتر ثابت و حاصل می‌شود. حتی اگر کسی از شیعیان بگوید: «برای اثبات حقانیت تشیع، فقط به روایات واضحه از منابع و مصادر اهل تسنن تمسک کرده‌ام»، ابداً گزاف نگفته است.^{۱*}

۳۴. اثبات حضرت مهدی علیه السلام و پرسش اهل سنت

یکی از اشکالاتی که اهل تسنن می‌کنند، این است که «از کجا معلوم است که حضرت متولد شده است؟!». می‌گویند «زنی^۲ خبر داده است که اتاق نورانی شد و...؟ راوی آن، فقط یک زن است.»
جواب آن که اولاً، بله، راوی، یک زن است. آیا این همه مدت که

۱. در منابع اهل سنت، روایات زیادی از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد انتصاب امام و جانشین خود موجود است. این روایات را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد:
الف) روایاتی که به صورت عمومی، خلافت و وصایت ائمه اطهار علیهم السلام را مطرح می‌کند که با تعبیری همچون دوازده امیر، دوازده خلیفه، دوازده رجل، دوازده نقیب، به تعداد نقباء بنی اسرائیل، دوازده امام، که همگی آنان از قریش هستند، مطرح است. برای نمونه به صحیح بخاری، ج ۹، ص ۷۲۹، ج ۸، ص ۱۲۷، سنن ترمذی ج ۳ ص ۳۴۰ صحیح مسلم، ج ۳ ص ۴۵۲، مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۹۲، ۸۹ مراجعه شود.
ب) روایاتی که در آنها اسامی ائمه اطهار علیهم السلام یک به یک به صراحت ذکر شده است. کفایة الاثرابی القاسم الخزاز ص ۱۹۴-۱۷۷ ینابیع المودة قندوزی حنفی ج ۱ ص ۲۹۰، ج ۲، ص ۳۱۶، ج ۳، ص ۲۹۱، فراند السیطین، ج ۲، ص ۳۹۹ مراجعه شود. برای اطلاع بیشتر، به ائمه و احیاء دین اثر علامه سید مرتضی عسکری، ج ۲، ص ۶۵ مراجعه شود.

*. فیضی از ورای سکوت، ص ۵۷.

۲. مراد، حضرت حکیمه خاتون، عمه بزرگوار امام حسن عسکری علیه السلام است که هنگام تولد وجود مقدس امام زمان (عج) در اتاق مشرف بودند.

حضرت در میان مردم ظاهر بوده، کسی از اصحاب او را ندیده و مشاهده نکرده است؟!*

ثانیا خود امام حسن عسگری علیه السلام خبر داده‌اند و بعد از آن هم اِلی ماشاءالله، شیعه، از وجود مقدس اش این همه کرامت دیده و می‌بینند. ما، هرچه می‌دانیم، همین امروز در کجاها چه اغاثه‌هایی برای مستغیث‌ها و چه اجاره‌هایی برای مستجیرها، از طرف حضرت انجام می‌شود؟! ما چه می‌دانیم چه کارهایی هر روز دارد می‌شود؟! بله، حضرت ازاعین الظالمین، محجوب است: «المحجوب عن اعین الظالمین»^۱، اما کسانی که نه ظالم‌اند و نه رفیق ظالم‌اند و نه با ظالمان معاشرند، آن حضرت از دید آنان محجوب نیستند.

ثالثاً: دیدن با چشم، موضوعیت ندارد، بلکه این طریق و وسیله‌ای است برای حصول یقین، اگر انسان از پشت پرده، صدایی را شنید و فهمید و بودن گوینده‌ای را یقین کرد، او، برای ما خبرهایی داد و آن خبرها مطابق با واقع شد، از سابق و لاحق ما خبر داد، به وجود گوینده یقین پیدا می‌کنیم ولو چشمان مان او را نبیند.

رابعاً، همین دیدن را خیلی از بزرگان علماء ما هم ادعا کرده‌اند که اگر ما بگوییم، آنان دروغگو بوده‌اند که دیگر معلوم است که ما، در چه حالی هستیم!*

۱. «از چشمان ظالمین در حجاب و غایب هستند»

*. فیضی از ورای سکوت، ص ۳۰

فصل

دوم

غیبت، انتظار

۳۵. سفارش به دعای «اللهم عرفنی لنفسک...»

در زمان غیبت، به خواندن دعای «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ...»^۱ سفارش شده است.

همچنین سفارش شده که این دعا نیز خوانده شود: يَا اللَّهُ. يَا رَحْمَانَ يَا رَحِيمَ، يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ، ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ.^۲

۳۶. دعای فرج، دواى دردها

دعای تعجیل فرج، دواى دردهای ماست. در روایت است که در آخرالزمان همه، هلاک می شوند، «إِلَّا مَنْ دَعَا بِالْفَرَجِ».^۳

۱. اللهم عرفنی نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف نبيک، اللهم عرفنی رسولک فانک ان لم تعرفنی رسولک لم اعرف حجتک، اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی.

خدایا! خودت را به من بشناسان و اگر نه، نخواهم توانست پیامبرت را بشناسم. خدایا! رسالت را به من بشناسان و اگر نه نخواهم توانست حجتت را بشناسم. خدایا! حجتت را به من بشناسان و اگر نه از دینم گمراه خواهم شد، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۷، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶، ج ۹۲، ص ۳۲۶.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۸، ج ۹۲، ص ۳۳۶، اعلام الوری، ص ۴۳۲، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۱: ای خدا، ای رحمت گستر، ای مهربان، ای زیر و رو کننده دلها، دلم را بر دینت استوار بدار... ۶۰۰ نکته، ص ۱۲۴.

۳. عبارت حدیث به این صورت است: «إِلَّا مَنْ دَعَا بِدَعَاءِ الْغَرِيقِ (مگر کسیکه دعای غریق را

ائمة مائه علیهم السلام با این بیان، خیلی به اهل ایمان و شیعیان عنایت کرده‌اند تا خود را بشناسند. علامت گذاری برای آنان است، یعنی، اگر برای فرج دعا می‌کنید، علامت آن است که هنوز ایمان‌تان پابرجاست. دستورهای عجیب و غریب دیگر هم داده‌اند، زیرا، در آخرالزمان، گرفتاری اهل ایمان، خیلی سخت می‌شود به حدی که در روایت آمده است: «يُشْكِرُهُ أَكْثَرُ مَنْ قَالَ بِإِمَامَتِهِ»^۱ یعنی، بیشتر مردم، از اعتقاد و ایمان به امامت بر می‌گردند! هم چنین فرموده‌اند که در آخرالزمان، این دعای فرج را که دعای تثبیت در دین است بخوانیم: «يَا اللَّهُ، يَا رَحْمَانُ، يَا رَحِيمُ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ»^۲

یعنی، آن مرتبه‌ای از ایمان را که به من منت نهادی، حفظ کن، نه این که مسلمان باشد و به همان باقی باشد؛ چون، این معنا، تثبیت در دین نیست. این توسلات، عزاداری‌ها، سوگواری‌ها، زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام

۱. بخواند) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۳ و ۱۴۸، ج ۹۲، ص ۳۲۶، اعلام الوری، ص ۴۳۲،

الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۲۸: «مگر کسانی که برای (تعجیل) فرج دعا کنند».

الغیبة نعمانی، ص ۱۵۹، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۸، ۳۵۱، منتخب الانوار، ص

۸۰، مهج الدعوات، ص ۳۳۲، که در ذیل برخی از روایات بیان شده است که مقصود از

دعای غریق، دعای «یا الله، یا رحمان یا رحیم...» است که بعداً خواهد آمد.

۱. لانه یقوم بعد... ارتداد اکثر القائلین بامامته، (زیرا او بعد از... بازگشت بیش تر معتقدان به

امامت اش قیام می‌کند) بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰، ج ۵۲، ص ۲۳، اعلام الوری، ص

۴۳۶، ۴۳۹، الخرائج، ج ۳، ص ۱۱۷۱، الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۳۰، ۲۳۱، کشف الغمبه،

ج ۲ ص ۵۲۶، کفایة الاثر، ص ۲۸۳، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۸، منتخب الانوار، ص ۳۹:

«بیشتر کسانی که اعتقاد به امامت آن حضرت دارند، او را انکار می‌کنند».

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۸، ج ۹۲، ص ۳۲۶، اعلام الوری، ص ۴۳۲، کمال الدین، ج ۲،

ص ۳۵۱، منتخب الانوار، ص ۸۰، مهج الدعوات، ص ۳۳۲: «ای خدا، ای رحمت گستر،

ای مهربان، ای زیر و رو کننده دلها، دل مرا بر دینت ثابت و استوار گردان».

علامت آن است که اهل ایمان، به آنان اتصال و الصاق دارند و هنوز از آنان منحرف نشده‌اند، لذا کفار و دست‌نشانده‌های آنان دستور داشتند که بین مسلمانان و قرآن - تا چه برسد به مساجد و تکایا و مجالس عزا و روضه خوانی - جدایی بیندازند؛ زیرا، همه آن‌ها ضد خواسته‌های سلاطین جور بود، لذا فرمان هدم قبور یا تعطیلی مجالس روضه‌خوانی را دادند.*

۳۷. سفارش به دعای فرج

در اوقات گرفتاری و شدت، خیلی باید دعای فرج خواند؛ زیرا، دعای فرج، دعا برای فرج شخصی است. لذا در هنگام شدت باید به آن ملتزم شد. حضرت امام سجاد علیه السلام وقتی می‌خواستند پسر حسن بن علی علیه السلام داماد حضرت حسین بن علی علیه السلام را به دستور ولید، پانصد تازیانه بزنند، به او فرمود: «پسر عمو! دعای فرج را فراموش نکن.» ایشان عرض کردند: «پسر عمو! دعای فرج چیست؟» حضرت دعایی به او تعلیم فرمود.

حسن بن علی علیه السلام شروع کرد به خواندن آن دعا. کسی که مأمور^۱ قتل او بود، از منبر به زیر آمد و گفت: «أَرَى سَجِيَّةَ مَظْلُومٍ، أَخْرُوا امْرَأَهُ، أَرَأَيْتَ الأَمِيرَ.»**

به ولید نامه نوشت و دستور داد که او را رها کنند.^۲ برای دفع بلا و شر،

*. ۶۰۰ نکته، ص ۳۶۳.

۱. والی ولید در مدینه، صالح بن عبد الله بود.

** «سرشت شخص ستمدیده‌ای را می‌بینم، قتل او را به تاخیر بیندازید تا با امیر (ولید) در این باره مشورت کنم.»

۲. این ماجرا، به تفصیل در بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۱۴، ج ۹۲، ص ۲۳۳، مهج الدعوات، ص ۲۳۱ ذکر شده است. متن دعا به عنوان دعای کُزب به این صورت است: «لا اله الا

این دعا نیز نافع است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَمْسِكْ عَنَّا الشُّوْءَ»^۱

۳۸. عمل به یقینیات، پرهیز از مشتبهات

خدا کند راهی برا شرح صدر پیدا کنیم که به واسطه رییس مان، تحیر قلبی مان برطرف شود. فرج، ولو یک ساعت باشد، مرحله بعد از روشنایی است. روشنایی هم فرج ما است. آیا هیچ فکر کرده ایم که راهی برای این مطلب پیدا کنیم؟! گویا ائمه علیهم السلام این مطلب را با ما اتمام حجت کرده اند و لذا فرموده اند: «برای فرج، بسیار دعا کنید»^۲. البته نه اینکه لقلقه زبان باشد. و نیز فرموده اند: «تَمَسَّكُوا بِالْأَمْرِ الْأَوَّلِ»^۳ یعنی، در وقایع و رویدادهای تازه، آن گونه که در گذشته عمل می کردید عمل کنید. ائمه علیهم السلام به ما یاد داده اند که به یقینیات عمل کنیم و هر جا یقین نداشتیم، توقف و احتیاط کنیم.*

اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.»

از همین دعا در موارد دیگر به نام دعای فرج یاد شده است. اصول کافی، ج ۴، ص ۲۸۴. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۸۳.

۱. ۶۰۰ نکته، ص ۳۴۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۵۰۶، بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۱۷۸؛ البلد الامین، ص ۳۴، مصباح کفعمی، ص ۴۶. «خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و بدی را از ما باز دار.»

۳. أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ؛ برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که همین، مایه گشایش امور شما است. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲، ج ۵۳، ص ۱۸۰؛ احتجاج، ج ۲، ص ۴۶۹، اعلام الوری، ص ۴۵۲، الغیبه طوسی، ص ۲۹۰، کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۳۱، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۳، منتخب الانوار، ص ۱۲۲.

۴. «به راه و رسم نخست عمل کنید.»

*. ۶۰۰ نکته، ص ۲۳.

۳۹. دعای فرج، وظیفه همگانی

خیال می‌کردیم که دعای تعجیل فرج، تعلیق به عدم شقاوت دعا کننده است، ولی چنین نیست؛ زیرا، اگر حضرت غایب (عج) ظهور، کنند مگر انسان شقی از شقاوت بیرون می‌آید؟! ولی ظهور آن حضرت برای مؤمنان، فرج و گشایش خواهد بود. وقتی انسان خودش در آب و گل فرو رفته باشد!، اگر عالم را آب فراگیرد، آیا او نجات می‌یابد؟! وقتی حضرت ظهور کند، می‌پرسد، این کار آشکار را چرا انجام دادی؟ معلوم نیست از کارهای پنهانی جستجو کند.*

۴۰. توبه، شرطی برای درخواست فرج

کسانی که در خواب و بیداری تشرف حاصل کرده‌اند، از آن حضرت شنیده‌اند که فرموده است: «برای تعجیل فرج من زیاد دعا کنید.» خدا می‌داند تعداد این دعاها باید چه قدر باشد تا مصلحت ظهور فراهم آید. قطعاً، اگر کسانی، در دعا، جدی و راستگو باشند و به هم و ناراحتی اهل بیت علیهم‌السلام، مهموم و به سرور آنان مستبشر باشند، مبصراتی خواهند داشت و قطعاً مثل ما، چشم بسته نیستند!

باید دعا را با شرایط آن کرد. توبه از گناهان، از جمله شرایط دعا است، چنان که فرموده‌اند: «دُعَاءُ التَّائِبِ مُسْتَجَابٌ.»** نه این که برای تعجیل فرج دعا کنیم که کارهایمان برای تبعید (دور کردن) و تأجیل (به تأخیر انداختن)

*. ۶۰۰ نکته، ص ۳۶۱.

** «دعای شخص توبه کننده اجابت می‌گردد.»

فرج آن حضرت باشد!*

۴۱. افضل بودن عبادت در عصر غیبت

مگر همه، سلمان یا ابوذر می شوند که بر تمام بلاها، صبر کردند و یا مثل عمار که حتی حاضر به کشته شدن گردید؟ در همه مقاماتی که آنان به آن رسیدند، بسته شده است. تمام دنیا و مافیها ارزش نماز یک شب سلمان را ندارد! روی پوست گوسفندی می نشست. مصلاهی عجیب و غریبی داشت! در روایتی، اثاثیه و لوازم منزل اش را برشمرده: یک پوست و یک کیسه آرد و...، ولی باز گریه می کرد که فردا بارش سنگین است! سلمان، چه مقامی داشت و ضد او یعنی معاویه چه مقامی؟ البته چه بسا از این که فرموده اند: «عبادرت در غیبت، افضل از عبادت در حال حضور است»، بتوان استفاده کرد که مقامات بالاتری برای ما ممکن است! مقصودم این است که اگر ما، در زمان حضرت رسول بودیم و می دیدیم که در اطراف آن حضرت، امثال حضرت سلمان هستند که دارای مقامات هستند، چه قدر به آن مقام عالیه تشویق می شدیم، ولی کسی که آنان را نمی بیند، از تحصیل آن معذور است، زیرا، تردید برای او حاصل می شود که آیا این گونه مقامات برای او حاصل می شود یا نه؟!*

اما ما نیز از کرامات علما، عجایب و غرایبی دیده ایم که نمی شود بیان کرد و تعجب می کردیم که چرا دیدگان می بینند و اسم اش را هم نمی آورند؟! ولی نمی دانم چرا باز نسبت به تحصیل آن مقامات بی تفاوت هستیم?***

*. ۶۰۰ نکته، ص ۱۱۸.

***. ۶۰۰ نکته، ص ۳۸.

۴۲. توسل منشاء نجات از فتنه‌ها

سؤال: در این جنگ امریکا در افغانستان چه باید کرد؟
جواب: در این فتنه‌های اخیر، مخصوصاً فتنه جنگ امریکا در افغانستان، باید دعای «اللهم اشغل الظالمین بالظالمین...» را زیاد خواند، ظالمان به بهانه‌های بیهوده و دروغ، به هر بهانه‌ای، می‌خواهند مسلمانان را از بین ببرند. باید به حضرت ولی عصر (عج) توسل کرد، و درخواست کن، که این فتنه‌ها به خود ظالمان برگردد.*

۴۳. لزوم احتیاط در فتنه‌ها

سؤال: از حضرت رسول ﷺ درباره آخرالزمان و فتنه‌های آن نقل شده که فرموده‌اند: «تشخیص تکلیف، در آن زمان، مشکل است.» پس چه باید کرد؟

جواب: اگر به دست آوردن تکلیف، مشکل باشد، احتیاط کردن که مشکل نیست! باید توقف کرد و احتیاط کن. برای ما اتمام حجت شده است.**

۴۴. راه نجات از فتنه‌ها

چه می‌شد اگر تمام مسلمانان به یک رساله عمل می‌کردند، [یعنی همه، از حضرت امیر علیه السلام متابعت می‌نمودند]؛ ولی بزرگان عامه به پیغمبر صلی الله علیه و آله که

*. فیضی از ورای سکوت، ص ۲۲۹.

** ۶۰۰ نکته، ص ۱۴۳

ضبط صوت وحی بود، گفتند: «إِنَّ الرَّجُلَ لِيَهْجُرُ»^۱

در حقیقت، به وحی و خداوند که صاحب صوت بود، نسبت هذیان دادند! امام صادق علیه السلام در روایتی به بعضی از اصحاب خود فرمود: اگر خوف آن را نداشتیم که در دست دشمنان قرار گیرد، کتابی به شما شیعیان می‌دادم که با وجود آن، به هیچ چیز نیاز نداشته باشید، و آن کتاب، شما را از هر چیز دیگر مستغنی و بی‌نیاز می‌کرد.^۲

یعنی، نه تنها نیاز شما را در فروع، بلکه در همه چیز برطرف می‌کرد.
فَيَنْبَغِي الْإِحْتِيَاظُ وَالتَّوَقُّفُ فِي فِتْنِ آخِرِ الزَّمَانِ الَّتِي هِيَ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ،
حَتَّى يَظْهَرَ الطَّرِيقُ الْحَقُّ. وَالْإِحْتِيَاظُ مَقْدُورٌ لِكُلِّ أَحَدٍ، وَهُوَ عُمْدَةُ السَّلَاحِ لِأَهْلِ
الْإِيمَانِ، وَالتَّاجِي هُوَ الثَّابِتُ فِي الْإِيمَانِ، الدَّاعِي بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ الْمُلَازِمِ لِلْإِعْتِقَادِ
بِجَمِيعِ الْمُعْتَقَدَاتِ الْحَقَّةِ.^۳*

۱. نهج الحق ص ۲۳۲، کشف الیقین ص ۴۷۲، کشف الغمه ج ۱ ص ۴۲۰، بحار الانوار ج ۳۰ ص ۵۲۵: «این مرد هذیان می‌گوید.»

۲. متن حدیث، به این صورت است: «لَوْ لَا أَنْ يَقَعَ عِنْدَ غَيْرِكُمْ كَمَا وَقَعَ غَيْرُهُ، لَأَعْطَيْتُكُمْ كِتَابًا لَا تَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ أَحَدٍ حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ (عج)، اگر بیم آن را نداشتیم که به دست غیر شما بیفتد، چنان که چیزهای دیگر در دست آنان افتاد، قطعاً کتابی به شما می‌دادم که با وجود آن تا قیام حضرت حجت (عج) به هیچ کس نیاز نداشته باشید. بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۱۳، بصائر الدرجات، ص ۴۷۸.

۳. «پس در فتنه‌های آخر الزمان که مانند پاره‌های شب تاریک است، شایسته است احتیاط و توقف نمودن تاراه حق روشن شود و همگان توان احتیاط را دارند و آن عمده سلاح اهل ایمان است و تنها کسی [در این فتنه‌ها] نجات می‌یابد که در ایمان خود استوار بوده و برای تعجیل فرج دعا کند و در اعتقاد به تمام عقاید حقه ملتزم و استوار باشد.»
* ۶۰۰ نکته، ص ۱۴۴.

۴۵. دوری از ثقلین، نقشه کفار

ائمة مآءﷺ دعاها را در اختیار ما گذاشته‌اند تا ما را غرق در نور بینند. انبیاءﷺ آمده‌اند که ما را از دنیا و توجه به آن دور سازند، ولی کفار به ما می‌گویند، دین را کنار بگذارید تا ما به شما دنیا دهیم، و وسایل راحتی ظاهری (نه راحتی درونی) شما را فراهم کنیم! البته، این سخن هم دروغ است، زیرا اگر آنان برای ما راحتی دنیا را می‌خواهند، پس چرا این همه بر سر تسلط بر ما، باهم نزاع دارند؟ نقشه کفار این بود و هست که قرآن را از دست مسلمانان بگیرند، و روحانیت را از منابع دینی و معنویات و سرچشمه‌های معارف، یعنی قرآن و سنت جدا سازند تا این دو سلاح مهم (قرآن و سنت) از دست مسلمانان خارج گردد و راه تسلط آنان بر بلاد و ثروت‌های مسلمانان باز شود، ولو به این که کسانی را در رأس قرار دهند که طبق مرام آنان، کتاب و سنت را توجیه کنند و دیگران، نابود یا منزوی یا کشته شوند. ای کاش می‌دیدیم که گرگ‌ها به ما هجوم آورده‌اند و ما را می‌خورند! با این وضع چه باید کرد؟ هرچه به ما فرمودند: «لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ» گوش نکردیم! حالا با این اوضاع و گرفتاری و بلاها که بر سر ما مسلمانان می‌آید، چه باید بکنیم؟ اگر تکلیف خود را بدانیم که چه باید بکنیم و به آن چه فهمیدیم عمل بکنیم، از جهت عمل به وظیفه فردای قیامت راحت‌ایم. هرچند وظیفه این باشد که با ناراحتی‌ها بسازیم و صبر کنیم. خداوند متعال می‌فرماید: وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ

نَقِصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ^۱ یعنی صابران را به فرج و ظهور حضرت حجت (عج) بشارت ده.*

۴۶. لزوم بیداری شیعه و سنی

اگر دو گروه در برابر هم قرار گرفتند و با هم در حال جنگ باشند و یک فرد از این دو گروه راه پیدا می‌کند و رئیس گروه دیگر را می‌ربود، گروه بی رئیس، یکی از دو راه را دارند: یا باید تسلیم شوند و یا بدون رهبر، با دشمن مخالف بجنگند. حال ما مسلمانان با کفار، تقریباً همین طور است. مسلمانان، زعیمی ندارند که در زیر لوا و پرچم او قرار گیرند؛ زیرا سنیان که اصلاً قائل به زعیم و امام نیستند، و شیعه هر چند اعتقاد به امام علیه السلام دارد، ولی در عمل و وضعیات مانند سنیان هستند و با آنان فرقی ندارند! بنابراین، آیا حال که همه مسلمانان و چه شیعه و چه سنی و اعتقاداً و یا عملاً، زعیم ندارند، نباید در کنار هم بنشینند و چاره اندیشی کنند؟! آیا نباید محافظت و مواظبت کنیم؟! آیا نباید بنشینیم و راه محافظه را پیدا کنیم که چه گونه از دست دشمن در امان باشیم تا دین و دنیا و مذهب ما محفوظ بماند؟! از جمله راه‌های محافظت و مواظبت، این است که اولاً، فریب کفار را نخوریم و ثانیاً، آن چه را که به ما هدیه (!) می‌دهند تا مجذوب آنان شویم و از این راه بر ما مسلمانان و منافع ما مسلط شوند و بر ما ظلم و ستم کنند، قبول نکنیم.

۱. بقره/ ۱۵۵. «قطعاً شما را به نوعی از ترس و گرسنگی و زیان مالی و جانی و کمبود

محصول، آزمایش می‌کنیم و صابران را نوید بده.»

*. ۶۰۰ نکته، ص ۱۸۹.

۴۷. دعا برای رفع گرفتاری مسلمانان

خداوند، بلاها را بدون مصلحت و ملاک نمی فرستد، برای رفع آنها، دعا لازم است. خداوند می فرماید:

«فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا»^۱ یعنی، باس و سختی و فشار، باس ما و از طرف ما است و ما آن را برای شما فرو می فرستیم برای این که به درگاه ما تضرع کنید و به ما روی آورید و از ما، درخواست کنید و دعا کنید، چرا چنین نیستید؟

چه قدر رحمت خداوند، شامل حال کسانی است که برای رفع این همه ابتلائات و بلاهایی که برای مسلمانان و اهل ایمان وارد می شود، بی تفاوت نباشند و گریه و تضرع و ابتهال کنند! اگر مسلمانی در چین مبتلا شود، ابتلای او، ابتلای ما است و ما باید خود را مثل او گرفتار بدانیم!*

۴۸. چاره اندیشی برای رفع گرفتاری‌ها

اگر بی تفاوت باشیم و برای رفع گرفتاری‌ها و بلاهایی که اهل ایمان به آن مبتلا هستند دعا نکنیم، آن بلاها به ما هم نزدیک خواهد بود، چنان که الان بر سر ما آمده است، نظیر ریختن مواد شیمیایی و بمباران شهرها. در مقابل خطرهای دینی چه باید کرد؟ آیا نباید فکری و چاره‌ای بکنیم یا بگذاریم هرچه شد، شد، و هر چه بر سر زنان و مردان و پیر و جوان ما آمد، آمد؟!***

۱. انعام / ۴۳: «پس ای کاش آن هنگام که سختی از سوی ما برای آنها می آمد تضرع می نمودند.»

*. ۶۰۰ نکته، ص ۱۸۷.

***. ۶۰۰ نکته، ص ۹۷.

۴۹. پرهیز از دولت‌های کفر

اختلاط ما با کفار، آخرش به همین جاها می‌کشد، یعنی، ابتدا، از مسلمانان پذیرایی می‌کنند و به آنان احترام می‌گذارند و آنان را به بلاد خود دعوت می‌کنند و در تجارت و معاملات بازرگانی خود، داخل می‌کنند. وقتی رؤسا و سیاست‌مداران مسلمان، مست پول و غیر پول شدند، مسلمان حاضر می‌شوند امضا و امتیازات بدهند تا آنان بر بلاد اسلامی حکومت کنند. بدین ترتیب هم جنسی و هم شکلی و اختلاط با کفار، تسلط و حکومت آنها را بر مسلمانان آسان‌تر می‌سازد. آیا اگر مثلاً کفار بر نفت ایران حکومت کردند، می‌شود که نتواند بر ایران و مردم ایران حکومت کنند؟! و مالک الرقاب ممالک اسلامی و مسلمانان نشوند؟ فرانسه در سوریه و لبنان و الجزایر، و انگلیس در عراق و حجاز حکومت داشت، و فعلاً در دست امریکا است. آری، ائمه ع علیهم السلام که فرموده‌اند: «با کفار اختلاط نکنید.»، در حقیقت، برای حفظ دنیای ما بود و می‌خواستند دنیای ما را برای خود ما تأمین کنند کار به جایی کشیده که کفار، نفت و ثروت‌های طبیعی و ذخایر زمینی و معادن ما را به غارت می‌برند و بعد به عنوان تصدق و آقایی و یا به عنوان وام با بهره‌های کلان با تَلَطُّف و مهر و عطوفت به ما می‌دهند! اکنون ما مسلمانان، اسیر و عبید آنان، و در زیر دست و چکمه‌های آنان، خوار و ذلیل هستیم، ولی هنوز نمی‌فهمیم برای چه این‌گونه شکست خورده‌ایم؟! آیا از عملکرد خود ما است و یا مثلاً از پریدن کلاغ؟!*

۵۰. اصلاح نفس، منشاء ظهور

ما باید فکر کنیم و ببینیم که این همه گرفتاری‌های داخلی و خارجی، برای چه پیش می‌آید و ما چه کار کرده‌ایم که به این همه بلاها، مبتلا می‌شویم و در رفع این‌گونه ابتلائات چه باید بکنیم؟
فکر این را باید بکنیم که آخر، ما چه کار کرده‌ایم که بی سرپرست مانده‌ایم؟

جهت و علت، این است که ما خودمان را اصلاح نکرده‌ایم و نمی‌کنیم و نخواهیم کرد و حاضر هم نیستیم خودمان را اصلاح کنیم. اگر ما خودمان را اصلاح می‌کردیم، به این بلاها مبتلا نمی‌شدیم.

حضرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِدَائِكُمْ وَ دَوَائِكُمْ؟ الدُّنُوبُ وَ دَوَائِكُمْ الِاسْتِغْفَارُ!»^۱

ما می‌خواهیم هر کاری دل‌مان می‌خواهد بکنیم به نزدیکان‌مان، به دوستان‌مان، هر کاری می‌خواهیم بکنیم، اما دیگران، دشمنان، حق ندارند به ما اسائهای بکنند! ما اگر به راه بودیم و در راه می‌رفتیم، چه کسی امیرالمؤمنین علیه السلام را می‌کشت؟ چه کسی امام حسین علیه السلام را می‌کشت؟ چه کسی همین امام حنی حاضر را که هزار سال است از دیده‌ها غایب است، مغلول الیدین می‌کرد؟

تا رابطه ما با ولی امر امام زمان (عج) قوی نشود، کار ما درست نخواهد شد. قوت رابطه ما با ولی امر (عج) هم در اصلاح نفس است. آیا واقعاً تا

۱. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۸۲. «آیا شما را خبر دهم به دردها و درمان‌هایتان، امراض و دردهایتان از گناهان است و درمانتان استغفار می‌باشد»

۶۰ □ امام زمان علیه السلام در کلام آیت الله بهجت

خودمان را اصلاح نکنیم، کار درست می شود؟
مملکتی که در آن جاسوس یا رشوه خوار و رشوه ده، واسطه باشد، آیا
ممکن است کسی بگوید برویم اصلاح بکنیم؟*

۵۱. توبه، دعا و توسل، چاره فتنه‌ها

ما که قدرت دفاع در برابر قدرت‌های بزرگ دنیا را - که برای ما، باهم
همدست شده‌اند - نداریم، و نمی‌توانیم به صورت ظاهر با آنان بجنگیم،
چرا دست از وظیفه خود برداریم؟! وظیفه فعلی ما، با این همه ابتلائات و
آتش‌هایی که برای نابودی شیعه در ایران، عراق، لبنان، پاکستان،
افغانستان،... افروخته شده، دعا و توسل به حضرت حجت (عج) و توصیه
دیگران به دعا است. دعای خود حضرت را برای حضرت بخوانیم و
دعای تائب بکنیم. البته توبه هر چیزی به حسب خود آن چیز است. اگر
مال کسی را از بین برده باشیم، باید اول آن را به صاحب‌اش بگردانیم و
سپس از آن استغفار کنیم.**

۵۲. مداومت بر دعای «الهی عظم البلاء...»

اصلاح فعلی ما، در چیست؟ به بازگشت و توبه از کارهایی که خودمان
می‌دانیم، در داخل یا در خارج انجام می‌دهیم. در خلوت مان با خدا، در
تضرعات مان و توبه مان، در نمازهایمان و عبادات مان، دعاها خصوصاً
دعای شریف «عظم البلاء و برح الخفاء» را بخوانیم و از خدا بخواهیم

*. فیضی از ورای سکوت، ص ۶۱.

** ۶۰۰ نکته، ص ۲۹۰.

صاحب کار را برساند و با او باشیم. حالا اگر خداوند حضرت را رساند که رساند و الا از کنار حضرت و از رضای او، دور نرویم. حضرت حرف هایی را که ما به هم می زنیم، می شنوند و می دانند.

ایشان «عین الله الناظرة و أذنه الواعية»^۱ می باشند. جلوتر از ما، حرف های ما را می شنوند، بلکه خودمان که حرف می زنیم، این صدا از لب تا به گوش برسد، فاصله ای دارد، حضرت جلوتر از این فاصله، حرف خودمان را می شنود. آن وقت آیا ما می توانیم کاری کنیم که حضرت متوجه نشود و نداند؟

نقل کرده اند، دو نفر بودائی بودند و با این که در دین شان عقد ازدواجی وجود دارد، باهم وعده فحشا کردند و گفتند، باید یک مکان خلوتی پیدا کنیم و یک خانه ای هم پیدا کردند. در این خانه هم یک اتاقی پیدا کردند که اگر فرضاً کسی داخل خانه شود، نتواند داخل این اتاق بشود. یکی از آنان فهمید در این اتاق، بتی هست. جامه ای برداشت و روی آن انداخت که مثلاً بت قضایای آنان را ببیند، خدای دروغی نبیند که دارند چه کار می کنند. آیا ما می توانیم از خدای حقیقی، کارهایمان را مخفی کنیم، به طوری که کارهایمان را نبیند و نداند که چه انجام دادیم؟

گاهی می آیند به آدم می گویند: «چیزی نیست. یک نوشته ای را اجازه بده ما امضاء بکنیم. لازم نیست شما زحمت بکشید و امضا بکنید. همین که شما اذن بدهید تا ما از جانب شما امضاء بکنیم، کافی است و کار تمام است. این هم فروش، آن هم بهایش، آن هم...!»

۱. بخشی از زیارت مطلقه حضرت علی عليه السلام مفاتیح الجنان و بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۰۵. «چشم بینای خدا و گوش شنوای خدا هستند»

حالا چه کار بکنیم؟ خودمان از خودمان بترسیم تا چه رسد از دیگران! از خدا می خواهیم توسط انبیاء و اوصیائش و وصی حاضرش که در پیش عارفان حاضر است، که ما را از خدائی بودن و از خدائیان و از وسائط امداد خدا، منحرف نکند، بصیر و بینا بکند و خود شناس باشیم، خودی ها را بشناسیم، خدائی ها را بشناسیم، آن وقت خلاف اینها هم شناخته می شوند.*

۵۳. لزوم اصلاح نفس

در میان احزاب مختلف، چه گونه باید عمل کنیم که دیندار بمانیم و برای امور دنیوی به این گروه و آن گروه نگریم؟ وای بر ما اگر معلوم شود که از اهل دین نیستیم! زیرا، هر معصیت و ظلمی که در دیگران بالفعل وجود دارد، در ما نیز بالقوه وجود دارد. خدا کند شرایط آن ها برای ما تحقق پیدا نکند و به آزمایش آنان مبتلا نشویم! خدا به ما توفیق و تنبّه دهد که اگر در ابتلا و آزمایش قرار گرفتیم، بد را خوب و خوب را بد بینیم! حضرت عیسی علیه السلام از احمق یعنی کسی که نمی فهمد و نمی فهمد که نمی فهمد، فرار می کرد! ما خواهیم! خدا کند بفهمیم که خواهیم تا به فکر اصلاح و درمان بر آییم!***

۵۴. غیبت بی سابقه

امیدوارم خداوند برای یک مشت شیعه مظلوم، صاحب شان را برساند؛ زیرا، در عالم، چنین سابقه ای نداشته و ندارد که رئیس و رهبری از مریدان و لشکرش، این قدر غیبت طولانی داشته باشد! چه باید گفت؟ معلوم

*. فیضی از ورای سکوت، ص ۶۸.

***. ۶۰۰ نکته، ص ۱۲۱.

نیست تا کی! در تمام امت‌های گذشته، غیبت مقدر شده است، ولی در هیچ امتی، چنین غیبتی با وقت نامعلوم غیر مقدر اتفاق نیفتاده است. ما مسلمانان، امتحان خود را با پیغمبر صلی الله علیه و آله و یازده امام علیهم السلام در زمان حضورشان پس داده‌ایم! اگر این یکی هم ظاهر می‌شد، لابد به قربان‌اش می‌رفتیم! کسانی که در زمان ائمه علیهم السلام به بنی امیه و بنی عباس گرایش داشتند، مگر دیوانه بودند؟ آنان از میان دو راه دین و دنیا، دنیا و ضد آخرت را اختیار کردند و هنوز مناصب (پست‌ها) آنان برای ما عرضه نشده تا امتحان خود را پس بدهیم.*

۵۵. صبر فراوان حضرت

خدا چه صبری داده به حضرت غایب (عج) که هزار سال است می‌بیند بر سر مسلمانان چه بلاهایی می‌آید و چه بلاهایی خود مسلمانان بر سر هم می‌آورند و همه را تحمل می‌کند!***

۵۶. غفلت از مصائب امام زمان (عج)

چه مصائبی بر امام زمان (عج) که مالک همه کره زمین است و تمام امور به دست او انجام می‌گیرد، وارد می‌شود و آن حضرت در چه حالی است و ما، در چه حالی؟ او، در زندان است و خوشی و راحتی ندارد و ما چه قدر از مطلب غافل ایم و توجهی نداریم!***

*. ۶۰۰ نکته، ص ۱۷۳.

** ۶۰۰ نکته، ص ۱۲۴.

*** ۶۰۰ نکته، ص ۱۱۸.

۶۴ □ امام زمان علیه السلام در کلام آیت الله بهجت

۵۷. باز بودن راه سعادت

گفته می شود که، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رحلت کرده، امام زمان (عج) هم غایب است و کسی به آن حضرت دسترسی ندارد که به فریاد او برسد. بنابراین، ما مستضعف و محروم از سعادت و بیچاره ایم! آیا اینگونه است؟ نه! اینگونه نیست! زیرا، عقل و شرع برای ما ثابت می کند که یک فرد متدین و عاقل، می تواند شئون دینی خود را اداره کند؛ زیرا، دفتر دین و دستورهای شرعی، در اختیار ما است و اگر ندانست و نتوانست، باید به حکم عقل و عقلا، از دیگران که می دانند، سؤال کند و از راه عقل و دیانت، صحت و سقم جواب را تشخیص بدهد، چون عاقل است و در هر جا که راه برای او روشن نشد، احتیاط برای او طریق نجات است. پس هیچگاه راه سعادت برای انسان بسته نیست.*

۵۸. استمرار فیض امام در عصر غیبت

سؤال: چرا ما باید از عترت محروم باشیم؟

جواب: چه کسی گفته است از فیوضات آنان محروم ایم؟ ما به اختیار محروم ایم! «وَالْإِمْتِنَاعُ بِالْإِخْتِيَارِ لَا يُنَافِي الْإِخْتِيَارَ»** زیرا «هُمْ عَلَى إِفَاضَاتِهِمُ الْحُضُورِيَّةَ بِالنَّسَبَةِ إِلَى أَهْلِهَا»***

«بَلْ بَرَجَاءِ حَيَاتِكَ حَيِّتْ قُلُوبَ شِيعَتِكَ، وَبِضِيَاءِ نُورِكَ اهْتَدَى الطَّالِبُونَ»^۱

*. ۶۰۰ نکته، ص ۳۰۸.

***. «به اختیار خود محروم بودن، با داشتن اختیار منافات ندارد»

***. «ائمة اطهار: همان فیوضات و افاضات حضوری خود را نسبت به اهل آن دارند»

۱. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۴۲، بلد الامین، ص ۲۴۸، مصباح کفعمی، ص ۴۹۸: «پس بپسندید که به امید

همچنین: لَنُورُ الْإِمَامِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ أَنْوَرُ مِنَ الشَّمْسِ الْمُضِيئَةِ بِالنَّهَارِ!^۱
منتها [به دست آوردن این فیوضات] دنبال کردن و طلب می خواهد. در
زمان غیبت، هم عنایات و الطاف امام زمان (عج) نسبت به محبان و
شیعیان اش زیاد دیده شده، باب لقاء و حضور، بالکلیه مسدود نیست،
بلکه اصل رؤیت جسمانی را هم نمی شود انکار کرد.*

۵۹. لزوم اطاعت محض از امام علیه السلام

این همه ودایع، کتب، مخازن علم، روایات، ادعیه، در اختیار ما
گذاشته اند، به گونه ای که اگر کسی بخواهد، امامی را حاضر بیابد و یا
صدایش را از نوار گوش دهد، و یا در خدمت شان باشد تا مطالب آنان را
استماع کند. - نه این که خود در محضر آنان صحبت کند! - بهتر از این هارا
پیدا نمی کند. همه چیز در دست رس ما است، ولی حال مان مانند حال
کسانی است که هیچ ندارند، نه به قرآن قائل اند نه به عترت و نه روایات
آنان را قبول دارند! اگر ائمه اطهار علیهم السلام حاضر بودند، باز باید به همین
روایات شان عمل کنیم!

لابد عذرمان، این است که در صورت حضور آنان هم مجبور نبودیم
از آنان پیروی کنیم و به حرف هایشان گوش کنیم، چنان که در طول تاریخ
امتحان داده ایم که در زمان حضورشان، قدر دان آنان نبوده ایم! **

حیات تو دل های شیعیانت زنده است، و به واسطه پرتو نور تو، طالبان رهنمون
می گردند.»

۱. در زیارت حضرت سیدالشهداء علیه السلام خطاب به آن حضرت: «قطعاً نور امام در دل
مؤمنان، درخشان تر از نور خورشید درخشان در روز است.»

*. ۶۰۰ نکته، ص ۲۴۷.

** ۶۰۰ نکته، ص ۷۸.

۶۰. ایمان درست، منشاء ظهور

تنها، انتظار فرج کافی نیست، تهیاً، بلکه طاعت و بندگی نیز لازم است، مخصوصاً با توجه به قضایایی که پیش از ظهور امام زمان (عج) واقع می شود، به حدی که: «مُلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»^۱

خدا می داند که به واسطه ضعف ایمان، بر سر افراد چه می آید! خدا کند ظهور آن حضرت با عافیت مطلقه برای اهل ایمان باشد و زود تحقق پیدا کند! مگر امکان دارد عافیت مطلقه، بدون ایمان و طاعت و بندگی انجام گیرد؟! خدا، به اهل ایمان، توفیق دهد که از فتن مضلّه کناره گیری کنند.*

۶۱. هجرت برای حفظ ایمان

ممکن است کسی در بلاد کفر سکونت داشته باشد، ولی ایمان و اعتقادش بر خلاف حکومت های بی دین و یاببی عقل و یاببی دین و بی عقل باشد و با این حال منتظر فرج باشد، ولی اگر کسی بخواهد عبادت کند و به خدا ایمان داشته باشد، یا ایمان اش محفوظ بماند، این امر، متوقف بر نقل مکان و نقل سکنی از آن بلاد به بلاد اهل ایمان باشد و منتقل شدن از آن جا برای او ممکن باشد، باید برای حفظ دین و ایمان خود و اهل بیت خود به بلاد اهل ایمان مهاجرت کند و گرنه به خود و اهل خود ظلم نموده و مقصر خواهد بود.**

۱. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۲۶، ۲۵۱، ۲۷۱، ۲۷۵، ۲۸۲، ۲۹۰، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۱۵

۳۳۳...: «جهان مملو از ظلم و جور می گردد.»

*. ۶۰۰ نکته، ص ۱۱۹.

***. ۶۰۰ نکته، ص ۱۲۰.

۶۲. اخلاق ما، سبب غیبت

سبب غیبت امام زمان (عج) خود ما هستیم؛ زیرا، دست‌مان به او نمی‌رسد و گرنه اگر در میان ما بیاید و ظاهر و حاضر شود، چه کسی او را می‌کشد؟! آیا جنیان آن حضرت را می‌کشند یا قاتل او، انسان است؟! ما، از پیش، در طول تاریخ ائمه علیهم‌السلام امتحان خود را پس داده‌ایم که آیا از امام تحفظ و اطاعت می‌کنیم و یا این که او را به قتل می‌رسانیم؟! انحطاط و پستی انسان به حدی است که قوم حضرت صالح علیه‌السلام ناقه صالح را با این که وسیله ارتزاق و نعمت آنان بود، پی کردند، چنان که قرآن مجید درباره آن می‌فرماید:

«لَهَا شَرِبٌ وَ لَكُمْ شَرِبٌ يَوْمَ مَعْلُومٍ»^۱

آن ناقه، یک روز آب چاه را می‌خورد و در عوض به آنان شیر می‌داد! بنابراین، همان گونه که ممکن است عقلا (!)، خزینه و انبار نعمت را نابود کنند، هم چنان که ناقه صالح را کشتند، امکان دارد که ما انسان‌های عاقل (!) نیز امام زمان (عج) را که تمام خیرات از او است و از ناقه صالح، برتر و پرفیض‌تر است، برای اغراض شخصیه خود، به قتل برسانیم!*

۶۳. ظهور حضرت و مصلحت

با کمال دوستی ما نسبت به امام زمان (عج) ظهور او نه به حرف بنده است و نه به حرف شما.

۱. شعراء/ ۱۵۵: «یک روز آب سهم شما باشد و روز دیگر سهم آن»

* ۶۰۰ نکته، ص ۹۱.

۶۴. اولوالامر

با این که روایت «افضل الاعمال انتظارالفرج»^۱ به نقل عامه هم ثابت است، چه گونه ممکن است حکومت و سیادت رؤسای کشورهای اسلامی، اولوالامر باشند؟! اگر چنین است، فرج موجود و حاصل است. دیگر انتظار فرج برای چه؟! آیا با وجود این همه فرج، باز هم فرج می خواهیم؟! پس انتظارالفرج یعنی چه؟!*

۱. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۰۸، کشف الغمه، ج ۲ ص ۲۰۷. «بهترین اعمال انتظار فرج است.»

*. ۶۰۰ نکته، ص ۶۱.

فصل

سوم

تشرفات

۶۵. عنایات امام زمان (عج) در عصر غیبت

در زمان غیبت، عنایات و الطاف امام زمان (عج) نسبت به محبان و شیعیان، زیاد دیده شده است باب لقا و حضور، بالکلیه مسدود نیست، بلکه اصل رؤیت جسمانی را هم نمی شود انکار کرد.*

۶۶. عبادت، بهتر از تشرّف

لازم نیست که انسان در پی این باشد که به خدمت حضرت ولیّ عصر علیه السلام تشرّف حاصل کند، بلکه شاید خواندن دو رکعت نماز سپس توسّل به ائمه علیهم السلام بهتر از تشرّف باشد؛ زیرا، هر کجا که باشیم، آن حضرت، می بیند و می شنود و عبادت در زمان غیبت، افضل از عبادت در زمان حضور است. زیارت هر کدام از ائمه اطهار علیهم السلام مانند زیارت خود حضرت حجت علیه السلام است.**

۶۷. پیام تشرّفات

در همین اواخر، اتفاق افتاده که شخصی در تقلید و تعیین مرجع

*. ۶۰۰ نکته، ص ۲۴۷.

** ۶۰۰ نکته، ص ۱۸۷.

شایسته، شک و تردید داشت. در خواب، چهره شخص مورد نظر را به او معرفی کردند. به نجف رفت و پس از مدتی جست و جو، او را پیدا کرد. نیز برای بعضی اتفاق افتاده که در بقا بر تقلید یا عدول به حیّ، تردید داشته‌اند از قبر معصوم شنیده است که «باقی باش» البته، هرکدام از این نقل‌ها، قابل تکذیب است، ولی از مجموع این قضایا، معلوم می‌شود که امام زمان علیه السلام متوجه و مراقب ما است، و نمی‌توان گفت، از احوال ما مطلع نیست و ما هر کاری و یا هر چه را خواستیم، می‌توانیم آزادانه انجام دهیم.*

۶۸. لزوم اصلاح رفتارها

هرچند حضرت حجت (عج) از ما غایب و ما از فیض حضور آن حضرت محروم‌ایم، ولی اعمال مطابق یا مخالف دفتر و راه و رسم آن حضرت را می‌دانیم و این که آیا آن بزرگوار را با اعمار و رفتار خود خشنود، و سلامی هرچند ضعیف خدمت‌اش می‌فرستیم و یا آن حضرت را با اعمال ناپسند، ناراضی و ناراحت می‌کنیم.

با این که در مال آن حضرت [سهم امام علیه السلام] تصرف می‌کنیم، دیده و شنیده نشده که حضرت در تصرف ما ترتیب اثر داده و در حیف و میل آن به کسی اعتراض کرده باشد! گویا مال آن حضرت را مال نمی‌دانیم و گویا آن حضرت، این مال را مال خود نمی‌داند که به ما اعتراض نمی‌کند!!**

*. ۶۰۰ نکته، ص ۸۹

** ۶۰۰ نکته، ص ۳۶۴.

۶۹. امکان روئیت حضرت در عصر غیبت

شخصی می‌گفت، با رفقا بودم. آقای از دور در کوچه دیدم. به دل ام افتاد که امام زمان علیه السلام است. با خود گفتم، در دل به او سلام می‌کنم، اگر جواب داد، معلوم می‌شود که او، خود حضرت است. وقتی از کنار او ردّ شدم در دل به آن بزرگوار سلام کردم، تبسمی کرده و فرمود: «علیکم السلام. به رفقای همراه خود گفتم: «آقا را دیدید؟» گفتند: «کدام آقا؟» معلوم شد که آنان نه آقا را دیده‌اند و نه جواب سلام او را شنیده‌اند.*

۷۰. راه دیدار با حضرت

این حقیر، مشتاق زیارت امام عصر حضرت حجت بن حسن عسکری، عجل الله تعالی فرجه الشریف هستم، از حضرت عالی تقاضا دارم که مرا دعا کنید که به این سعادت نائل شوم.

ج: زیاد صلوات، اهدای وجود مقدس اش کنید، مقرون با دعای تعجیل فرج اش، و زیاد به مسجد جمکران، مشرف شوید با ادای نمازهایش.

۷۱. لزوم تطبیق افعال با شرع

۱- دبیری درباره مسائل پشت پرده شما و برخی از علما، مثل شیخ مفید رحمته الله با امام زمان (عج) با ما صحبت کرد. از شما تقاضا مندیم که در این مورد و این امام بزرگوار و راه‌های ارتباط با ایشان برای من بنویسید؟
ج- باسمه تعالی راه‌های ارتباط با خدا، طاعت خدا، و طاعت امام زمان (عج) است، و تشخیص آن با تطبیق عمل به دفتر شرع است! یعنی، رساله عملیه صحیحه.

۷۲. معرفت و محبت به خدا، منشاء دوستی با امام

كَيْفَ نَقْوَى الْعِلَاقَةَ مَعَ أَهْلِ الْبَيْتِ عليهم السلام وَ بِالْخُصُوصِ مَعَ صَاحِبِ الْعَصْرِ (عج)؟!
[چگونه ارتباط خود را با اهل بیت عليهم السلام و مخصوصاً صاحب الزمان (عج) تقویت کنیم؟]

طاعة الله بعد معرفته، توجب حبه تعالى و حبّ من يُحبّه من الانبياء و الأوصياء الذين احبّهم اليه محمد و آله و أقربهم منّا صاحب الامر (عج).
[اطاعت و فرمان برداری از خداوند بعد از شناخت او، موجب محبت به او تعالى می شود و [همچنین موجب] محبت کسانی که خداوند آنها را دوست دارد، می شود که عبارتند از انبیاء و اوصیاء که محبوبترین آنها به خداوند، حضرت محمد و آله عليهم السلام می باشند و نزدیکترین آنها به ما صاحب العصر (عج) می باشد]*

۷۳. اثر خدمت به امام زمان علیه السلام

یکی از شاگردان^۱ نقل می کند، روزی به آقا عرض کردم: «محلّی و روستایی است که وجود بنده، در آن جا، خیلی مؤثر است و مردم خیلی با من مهربان و از حقیر حرف شنوی دارند، ولی فقیرند و درآمد ماه محرم و ماه رمضان، خیلی کم است، جاهای دیگر هم از لحاظ معنوی این گونه نیست، ولی جنبه مادی خوبی دارند.» آقا فرمودند: «اگر در خدمت مهدی علیه السلام امام زمان باشیم و به خدمت او اشتغال داشته باشیم، آیا امکان دارد حضرت در فکر شما نباشد؟»**

*. به سوی محبوب، ص ۵۵.

۱. حجة الاسلام والمسلمین قدس (امام جمعه کلاچای) می باشد.

** برگگی از دفتر آفتاب، ص ۹۳.

۷۴. عنایت حضرت به اهل علم

شخصی از اهل علم می‌گفت، در کربلا یا نجف که بودیم، گاهی در مضیقه قرار می‌گرفتیم، به حدی که آب و نان نداشتیم. خانواده می‌گفت: «فلان آقا، مرجع است. برو از او بخواه.» و من می‌گفتم: «این کار را نمی‌کنم.» این جااست که انسان‌های موجه، موظف‌اند که به مستحقان و افراد با حیا و عزت نفس که نه تنها اظهار فقر و احتیاج نمی‌کنند، بلکه چه بسا اظهار غنا و دارایی می‌کنند:

«يُتَّقِ نَفَقَةَ الْفُقَرَاءِ وَيَتَّظَاهَرُ كَالْأَغْنِيَاءِ.»^۱

کمک کنند و افرادی را جهت فحص و تجسس از حال آن‌ها قرار دهند.*

در هر حال، آن شخص می‌گفت: شب خواب دیدم کسی در می‌زند. امام زمان علیه السلام بود دست‌اش را بوسیدم. وارد خانه شدند. مقداری نشستند. هنگام تشریف بردن دیدم چیزی زیر تشک گذاشتند. بعد از تشریف بردن‌شان، در عالم خواب، نگاه کردم بینم چه گذاشته‌اند، دیدم یک فلس عراقی را گذاشته‌اند که کوچک‌ترین واحد پول عراق و «أَقْلُ مَا يُبَاعُ وَ يُشْتَرَى بِهِ» «کمترین مبلغی که می‌توان با آن چیزی را خرید و فروش کرد.» است که شاید فقرا هم قبول نکنند. از خواب بیدار شدم و بعد از آن خواب دیگر به فقر گرفتار نشدم. از اصفهان حواله صد یا هشتاد تومان رسید و وضع ما رو به بهبود رفت.

۱. «مانند افراد نیازمند خرج می‌کنند و مانند اغنیا تظاهر به دارایی می‌کند.»

* ۶۰۰ نکته، ص ۳۹.

ما که چنین ملاذ و ملجئی داریم، چه احتیاجی به دیگران داریم؟! محال است کسی راه قناعت را پیشه نکند و به آن چه دارد راضی گردد! برعکس، اگر کسی قناعت کند، مایحتاج اش به او می رسد، هرچه زیاد باشد. از سخنان امام صادق علیه السلام است که فرمود: «ضَمِنْتُ لِمَنْ اقْتَصَدَ أَنْ لَا يَفْتَقِرَ»^۱

۷۵. قدردانی از شهیدین رضوان الله علیهما

شهید اول و ثانی^۲، بعد از شهادت، به جرم تشیع، سوزانده شدند. در جریان ملاقات و تشرّف یکی از اهل علم به محضر حضرت حجت علیه السلام در سفر حج، حضرت به او فرموده بود: «شهیدین، آش و پلو شیعه را نخوردند، مع ذلک کتاب های با برکت به جا گذاشتند، مبادا روزی بر تو بگذرد که یکی از کتاب های آن را مطالعه نکرده باشی.» البته به نظر می رسد، منظور حضرت حجت علیه السلام از آش و پلو، مقام مرجعیت و زعامت باشد.*

۷۶. قدردانی حضرت از کتاب نهایة شیخ طوسی

بسیار اتفاق می افتد که شخصی با دیگری کار داشته، بعد همان شخص به در خانه او آمده و به او گفته: «با من چه کار داری؟» بالاخره، نمی شود

۱. کافی، ج ۴، ص ۵۳، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۴، ج ۳، ص ۱۶۷: «من برای کسی که میانه روی پیشه کند ضمانت می کنم که نیازمند دیگران نگردد.»

۲. شهید اول، ابو عبدالله شمس الدین محمد بن محمد بن جمال الدین مکی نبطی جزینی عاملی، دارای تألیفات متعدد از جمله اللمعة الدمشقیه است، شهید ثانی، عالم ربانی زین الدین بن علی بن احمد جبعی عاملی دارای تألیفات متعدد است که معروف ترین آن، شرح اللمعة الدمشقیه است.

*. ۶۰۰ نکته، ص ۴۶.

ارتباط قلبی اهل ایمان با هم دیگر را انکار کرد!
دو برادر روحانی، دو قلو هستند که یکی از آن دو، در تهران است و دیگری مثل این که در نجف، روحیه آن دو بسیار به هم نزدیک بود. یکی از آن دو می گفت: در خواب دیدم به من انگور می دهند، در خواب بلند گفتم: «کو انگور؟»، به گونه ای که دوستان من که بیدار بودند، صدای بلند مرا شنیدند.

در همان وقت از برادرم هم شنیده بودند که در خواب بلند می گوید:
«کو انگور؟!»

پنج نفر از علما در کربلا، خواب می بینند که ظاهراً امام زمان علیه السلام نهاییه شیخ طوسی^۱ را با عباراتی می ستاید. همه، عبارت آن حضرت را یادداشت می کنند و به هم دیگر نشان می دهند عبارت همه، باهم مطابق بوده است.*

۷۷. امضاء و خط امام زمان (عج)

آقا سید ابوالحسن اصفهانی، برای یکی از علمای سنی یا فردی سنی، مجلس فاتحه اقامه کرد. شخصی، با واسطه، به ایشان اعتراض کرده بود که «چرا از سهم امام، این گونه مجالس را برگزار می کنید؟»، با این که از ایشان این گونه کارها سابقه نداشت و فقط چند سفر که به سامرا مشرف شد، در یک سفر به خدام آن جا که بسیاری و بلکه بیش تر آنها جز چند

۱. ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰) صاحب تألیفات متعدد، از جمله، اختیار الرجال، الاستبصار، عدة الاصول، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی است.

*. ۶۰۰ نکته، ص ۲۸۵.

۷۸ □ امام زمان علیه السلام در کلام آیت الله بهجت

نفر سنی بودند، تقسیمی داده بودند.

مرحوم آقا سید ابوالحسن، بعد از اعتراض، به شخص معترض، ورقه سبزی را نشان داده بود که بنا بر نقل، به خط و امضای حضرت غایب (عج) بود و ایشان هم یقین کرده بودند که ورقه از جانب آن حضرت است که به مرحوم سید اصفهانی اجازه فرموده‌اند که سهم امام را در آن چه موجب اعتلای مذهب حق است، مصرف کنند.*

۷۸. میرزای شیرازی و تحریم تنباکو

اگر علم انسان مطابق ایمان‌اش باشد، خیلی خوب است. علمای سابق، علم را از ایمان جدا نمی‌دانستند. مرحوم میرزای شیرازی بزرگ [مرحوم میرزا محمد حسن شیرازی (ره) از علما و مراجع بزرگ سامرا] در قضیه تنباکو فرموده بود: «علت این حکمی که کردم، آن بود که در سرداب سامرا حضرت صاحب (عج) را زیارت کردم و در آن جا به من الهام شد!» آیا می‌شود کسی معنویت نداشته باشد و به او افاضه شود که به سرداب برود؟ لذا در جواب آقا سید محمد فشارکی رحمته الله که زیاد داد و بیداد می‌کرد، با اجازه و اسقاط مقام استاد و شاگردی، گفت: «سید اولاد پیغمبر! چرا شما حکم نمی‌کنید؟ آیا می‌ترسید در این راه کشته شوید؟» و ایشان پاسخ می‌دادند: «کشته شدن افتخار ما است.»**

*. ۶۰۰ نکته، ص ۲۸۱.

** ۶۰۰ نکته، ص ۲۲۷.

۷۹. نایب امام زمان (عج)

سیدی که خادم حرم حضرت سیدالشهدا علیه السلام در کربلا بود، نقل کرد، در سن جوانی با پدرم نزد شیخ انصاری رفتیم. سفره، حاضر کردند یا حاضر بود. آبگوشت، اما چه آبگوشت بی رمقی! برای ما نیز گذاشتند. پدرم به من گفت: بخور! «هذا نایب صاحب الزمان» علیه السلام.

این شخص نایب صاحب الزمان (عج) است. من، از خوردن خودداری می کردم و با مسخره می گفتم: «هَذَا شَيْءٌ؟!» [این چیه؟!] چه جور زندگی می کردند! سهم امام علیه السلام را به دیگران می دادند و خودشان به چه چیز راحت بودند! با وجود این که امثال این آقا در آبگوشت بودن آن تأمل داشته، خود آنان می فرمودند: «حالا وقت خوش گذرانی ما است!» چنان که ائمه اطهار علیهم السلام هم گاهی می فرمودند: «چون امامت و زعامت را نداریم، در این وضع خود آزادیم.»*

۸۰. نماز جماعت امام، ساده و پرمحتوا

چیزهای عجیب و غریب از علمای ما نقل شده که چه اندازه مواظب حلال و حرام بودند، بلکه مواظبت آنان بر مستحبات نیز بیش از ما بود و صاحب کرامت بودند، آقایی که خود او و نیز پدرش از اهل کرامت بودند نقل کرد که پدرش با آن کرامات و مقامات، در حال رکوع و سجود، تنها سه مرتبه «سبحان الله» می گفت. آنان، کیفیت را در عبادات ملاحظه می کردند، نه کمیت را! همین جریاناتی را که در آن قرار داریم و می بینیم همان علما - که فقه و اصول اشتغال داشتند - از پیش می دیدند و خبر

می دادند، بدون این که اظهار کنند که ما اهل کرامت و علم غیب هستیم آقای می گفت، جماعتی بودیم آقا امام زمان علیه السلام تشریف آوردند و امامت کردند، ولی حمد و سوره را حسابی ساده قرائت فرمودند! خدا می داند، همین عبادت های ساده و مختصر اگر از اهل اش صادر شود، چه اثرها دارد، ولی مفصل آن از غیر اهل اش بی اثر است! مطلب، اجل از آن است که با گفت و شنود، تفهیم و تفهم شود. از خدا می خواهیم که لیاقت دهد تا به ما الهام شود!*

۸۱. درک ظهور

گفتند، در حرم سید الشهداء علیه السلام شیخی را دیدند که نزد سید جلیلی [مراد امام زمان علیه السلام است] نشسته است و او درباره ظهور امام زمان علیه السلام سخن می گفت و شیخ هم با ذهن خالی و بدون توجه گفت: «بعضی منکر هستند.» ایشان فرمود: «بله، به خدا قسم! خواهد آمد و از آنان انتقام خواهد گرفت.»

شیخ گفت: «آیا من ظهورش را درک می کنم؟» رگ های سید سرخ شد و فرمود: «إِنْ عَيْشَكَ اللَّهُ،»**

۸۲. عیادت مریض

آقا زاده آقای صافی [آیه الله حاج شیخ لطف الله صافی] با واسطه ای موثق، از شیخ حسین توسلی که از اخیار و متقین اند و اکنون بیمار است و در بیمارستان آقای گلپایگانی بستری است، نقل کردند:

* ۶۰۰ نکته، ص ۱۰۸.

** ۶۰۰ نکته، ص ۱۲۴: «اگر خدا عمرت دهد.»

سه شب پیش، خواب دیدم که امام زمان و امام صادق علیهما السلام، به عیادت من آمدند. در دست حضرت حجت علیه السلام خوشه انگوری بود که یک دانه انگور از آن را به من دادند و من آن را خوردم. بعد فرمودند: «این خوشه انگور، مال امام صادق علیه السلام است». سپس آن را به حضرت صادق علیه السلام دادند. من از حضرت صادق علیه السلام هم انگور خواستم و آن حضرت، خوشه انگوری را به من تقدیم کردند. ایشان می گفت: «من از این جریان، آن قضیه ای که شخصی خدمت امام صادق علیه السلام رسید، و در دست حضرت عصای حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود، خواست آن عصا را ببوسد و... یادم آمد. *۹۱»

۸۳. شخصی بودن برخی از فرج ها

از سید [نوه میرزای شیرازی و پدر خانم حجة الاسلام سید احمد، فرزند سید علی شکوری] نقل فرمودند که روزی در مجلس روضه آقای خویی رحمه الله علیه، با پنج شش نفر از طلاب و فضلا، در محضر ایشان نشسته بودیم. قبل از روضه یا بعد از آن، آقای خویی فرمودند: «از امارات چنین استفاده می شود که من، امام زمان (عج) را درک می کنم». البته شاید منظور ایشان که فرمودند امام زمان را درک می کنم، تشریفی برای خود ایشان باشد که آن حضرت را درک کنند، نه این که زمان ظهور آن حضرت و فرج عمومی در زمان ایشان باشد. شخصی نقل می کرد که در

۱. این شخص، ابو حنیفه بود. اصل ماجرا در بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۲۲۲، ج ۴۷، ص ۲۷؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۹۵؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۴۸، ذکر شده است.
* ۶۰۰ نکته، ص ۲۹۱.

۸۲ □ امام زمان علیه السلام در کلام آیت الله بهجت

سال ۱۳۹۱ فرج حاصل می شود، در آن سال، او وفات کرد. معلوم شد،
فرج مخصوص خودش، منظور بوده است*.

فصل

چهارم

ظہور

۸۴. تثبیت ایمان، مهم‌تر از ظهور!

برای مؤمنان تثبیت در دین و ایمان و ثبات قدم تا ظهور آن حضرت، از ظهور آن حضرت، مهم‌تر است.*

۸۵. دعا برای تثبیت دین

در آخرالزمان، گرفتاری اهل ایمان، خیلی سخت می‌شود، به حدی که در روایت آمده: «يُنْكَرُهُ أَكْثَرُ مَنْ قَالَ بِإِمَامَتِهِ»^۱

یعنی بیش‌تر مردم از اعتقاد و ایمان به امامت آن حضرت بر می‌گردند! لذا فرموده‌اند که در آخرالزمان، دعای فرج را که دعای تثبیت در دین است، زیاد بخوانیم: «ياالله يا رحمان، يا رحيم، يا مقلب القلوب، ثبت قلبي على دينك.»^۲***

*. ۶۰۰ نکته، ص ۳۶۶.

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۰؛ اعلام الوری، ص ۴۳۶، ۴۳۹؛ الخرائج، ج ۳، ص ۱۱۷۱:

«بیشتر کسانی که اعتقاد به امامت آن حضرت دارند او را انکار می‌کنند.»

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۸، ج ۹۲ ص ۳۲۶؛ مهج الدعوات، ص ۳۳۲: «ای خدا، ای

رحمت گستر، ای مهربان، ای زیر و رو کننده دل‌ها، دل مرا بر دینت ثابت و استوار

گردان.»

***. ۶۰۰ نکته، ص ۳۶۴.

۸۶. دشواری دینداری در آخرالزمان

ائمة مائه علیهم السلام در روایات به ما خبر داده‌اند که خیلی از اهل ایمان و عقیده، در اثر ابتلائات، بر می‌گردند.^۱

خدا کند ایمان ما تا آن وقت باقی بماند وگرنه اگر ظهور حضرت هم نزدیک باشد، ولی ایمان ما زایل شده باشد، دیگر ما را چه با ظهور آن حضرت و حضرت را چه با ما؟!*

۸۷. صبر، منشاء ظفر

در زمان خیلی نزدیک به ظهور که ظلم فراگیر می‌شود - «ملتت ظلماً و جوراً» -^۲ مظلون است، بلکه بالاتر از ظن، به افرادی که پیش از ظهور، در دین و ایمان باقی می‌مانند و ثابت قدم هستند، عنایات و الطاف خاصی می‌شود تا از دین خارج نشوند؛ زیرا، حضرت ولی عصر (عج) تکیه‌گاه مردم است و کسانی که تکیه‌گاه‌شان او باشد، کوه ایمان‌اند! گویا مردم تا زمان نزدیک به ظهور، تصفیه می‌شوند و «يَقُومُ بَعْدَ ازْتِدَادِ أَكْثَرِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ»^۳

قهرآ کسانی که از ابتلائات و آزمایش‌های الهی در آمده‌اند، الطافی

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰، ج ۵۲، ص ۲۳؛ اعلام‌الوری، ص ۴۳۶، ۴۳۹؛ الخرائج، ج ۳، ص ۱۱۷۱؛ الصراط‌المسقیم، ج ۲، ص ۲۳۰، ۲۳۱؛ کشف‌الغمه، ج ۲، ص ۵۲۶؛ کفایة الاثر، ص ۲۸۳؛ کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۷۸، ۳۸۴.
* ۶۰۰ نکته، ص ۳۶۶.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۱؛ بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۶۸.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰، ۱۵۷؛ اعلام‌الوری، ص ۴۳۶؛ «بعد از بازگشت بیشتر کسانی که به امامت او اعتقاد دارند قیام می‌کند.»

ویژه از ناحیه آن حضرت، شامل شان می‌گردد.*

۸۸. معلوم بودن وقت ظهور برای حضرت

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود: «شِيعَتُنَا أَصْبِرُ مِنَّا...
لِأَنَّ صَبْرَ عَلِيٍّ مَا نَعْلَمُ وَ شِيعَتُنَا يَصْبِرُونَ عَلَيَّ مَا لَا يَعْلَمُونَ»^۱.

حضرت غائب (عج) عجب صبری دارد! با این که از تمام آن چه که ما می‌دانیم یا نمی‌دانیم، اطلاع دارد و از همه امور و مشکلات و گرفتاری‌های ما با خبر است، خود حضرت هم منتظر روز موعود است و خودش می‌داند که چه وقت ظهور می‌کند. این که گفته می‌شود: «آن حضرت، وقت ظهورش را نمی‌داند.»، درست نیست.**

۸۹. عجب صبری!

با کمال دوستی ما نسبت به امام زمان (عج) ظهور او نه به حرف بنده است و نه به حرف شما. خدا، عجب صبری داده به ولی، عصر علیه السلام که هزار سال است می‌بیند بر سر مسلمان‌ها چه بلاهایی می‌آید و چه بلاهایی خود مسلمان‌ها بر سر هم می‌آورند و همه را تحمل می‌کند.***

*. ۶۰۰ نکته، ص ۱۰۲.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۹۳؛ بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۸۰ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۶۵، ج ۲، ص ۱۴۱: «شیعیان ما از ما صابرتر هستند... زیرا ما برای آنچه می‌دانیم صبر می‌کنیم ولی آنها بر آنچه نمی‌دانند صبر می‌کنند.»

** ۶۰۰ نکته، ص ۲۱۰.

*** ۶۰۰ نکته، ص ۱۰۴.

۹۰. کشتار قبل از ظهور، نه بعد از آن

بعضی خیال می کنند، وقتی که حضرت ظهور می کند، کشتار واقع می شود، ولی چنین نیست، بلکه کشتار، قبل از ظهور آن حضرت است.^۱ در روایتی آمده است، سفیانی، صد و هفتاد هزار نفر را در فلان محله یا منطقه ای از عراق می کشد.^{۲*}

۹۱. ظهور، مانع خونریزی ها

از این خونریزی هایی که پیش از ظهور حضرت حجت علیه السلام واقع می شود، معلوم می گردد که ظهور آن حضرت، مانع از خونریزی است، چون، همه، طوعاً یا کرهاً، تابع آن حضرت خواهند شد. نیز معلوم می شود که آن قدر باید ظلم و خونریزی صورت بگیرد که برای همه روشن گردد که «مُلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»^۳ و همه اهل زمین در هر کجا که باشند، احساس کنند سایه ظلم و جور بر سر آنان است و همه جهانیان، حتی کفار، در فشار ظلم و ستم به سر ببرند و به انتظار نجات و ظهور فرج و مصلح باشند.^{**}

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲؛ قرب الاسناد، ص ۱۷۰.

*. ۶۰۰ نکته، ص ۳۶۱.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷؛ اختصاص، ص ۲۵۵؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۴؛ الغیبة، نعمانی، ص ۲۷۹، از این روایت که در این چهار کتاب آمده است، استفاده می شود که صد هزار نفر را لشکر سفیانی می کشد و هفتاد هزار نفر از لشکر او کشته می شوند.

۳. بحار الانوار، ج ۳، ص ۸۰، ج ۳۶، ص ۳۵۸؛ طرائف، ج ۱، ص ۱۷۷: «زمین از جور و ستم

پر شد»

*. ۶۰۰ نکته، ص ۳۶۵.

۹۲. قساوت قلب، از علایم ظهور

با این که اندوه و شادی مؤمن به دیگران سرایت می‌کند، چرا ما با این همه بلاها و مصایب که بر اهل ایمان وارد می‌گردد، بی تفاوت هستیم یا ما ایمان نداریم یا آنان و یا قلب‌ها قسی شده است! در روایت است که ظهور قائم آل محمد علیهم‌السلام «بَعْدَ قَسْوَةِ الْقُلُوبِ»^۱ خواهد بود.*

۹۳. معلوم بودن یاران حضرت

یکی از شاگردان** آقامی گوید:

روزی آقا فرمودند، دکتری متدین و اهل ولایت و شیعه، در صدد پیدا کردن یاران حضرت حجت علیه‌السلام بود و حتی می‌خواست اسامی آنان را بداند. مطلب او، در خانه‌اش بود. روزی در مطب تنها نشسته بود. یک کسی وارد شد و سلام کرد و نشست و فرمود: «حضرت آقا یاران حضرت حجت علیه‌السلام عبارت‌اند از،...» و شروع به شمردن کرد. تند تند می‌شمرد و نام می‌برد و حتی یکی بهرام نام داشت. در طول چند دقیقه، همه سیصد و سیزده نفر را شمرد و گفت: «اینان یاران مهدی (عج) هستند.» و بلند شد و خدا حافظی کرد و رفت. دکتر می‌گوید، او که رفت، من تازه به خود آمدم که این چه کسی بود و من آیا خواب بودم، یا بیدار بودم شک کردم. همسرم در اتاق مجاور بود. از او پرسیدیم: «آیا کسی با من کاری داشت و

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۰، ج ۵۲، ص ۱۵۱؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۸؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۵۶۱: «بعد از قساوت دل‌ها»

*. ۶۰۰ نکته، ص ۲۱۱.

** حجة الاسلام والمسلمین قدس (امام جمعه کلاچای)

۹۰ □ امام زمان علیه السلام در کلام آیت الله بهجت

پیش من کسی آمد؟» گفت: «آقایی آمد و تند تند حرف می زد.» دکتر می گوید، تازه فهمیدم که من خواب نبودم و او از افراد معمولی نبوده است.*

۹۴. دعای مهم

خدا، توفیق دهد که به سوی امام زمان (عج) تیر پرتاب نکنیم!***

۹۵. راه ارتباط با حضرت

کجا رفتند کسانی که با صاحب الزمان علیه السلام ارتباط داشتند؟ ما خود را بیچاره کرده ایم که قطع ارتباط کرده ایم و گویا هیچ چیز نداریم! آیا آنان از ما فقیرتر بودند؟!

اگر بفرمائید: «به آن حضرت دست رسی نداریم.»، جواب شما، این است که چرا به انجام واجبات و ترک محرمات ملتزم نیستید؟ و او، به همین مقدار از ما راضی است؛ زیرا «وَرَعَ النَّاسُ مَن تَوَرَّعَ عَنِ الْمُحَرَّمَاتِ^۱ ترک واجبات و ارتکاب محرمات، حجاب و نقاب دیدار ما از آن حضرت است.***»

۹۶. آگاهی امام از اوضاع ما

آقایی از مدرّسین می گفت، هر وقت ابتلا و همّ و حزنی در نجف به من دست می داد، غسل و طهارت می کردم و به حرم می رفتم. گویا به حضرت

*. برگگی از دفتر آفتاب ص ۱۰۵

***. ۶۰۰ نکته، ص ۲۵۴.

۱. کافی، ج ۲، ص ۷۷؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۴ ص ۳۵۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵ ص ۲۴۵،

۲۴۶، ۲۶۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۶۸: «پرهیزگارترین مردم، کسی است که از

کارهای حرام پرهیزد.»

***. ۶۰۰ نکته، ص ۳۶۱.

امیر علیه السلام پناه می بردم و برای ابتلا و هم و حزن من، راه چاه و علاجی مشخص می شد.

حضرت امیرالمؤمنین و نیز هر کدام از ائمه اطهار علیهم السلام نسبت به قاصدان و مجاوران و زائرین، مانند پدر مهربان نسبت به اولادش هستند.

آقای دیگری می گفت، هر وقت گرفتار و مهموم و مغموم می شوم، در ایوان طلای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می نشینم و به بارگاه آن حضرت نگاه می کنم و هم و غم و یا گرفتاری ام رفع می شود! در توسلات به حضرات معصوم علیهم السلام به بعضی، نقداً چیزی می رسد و گرفتاری آنان رفع می شود، ولی بعضی دیگر، بدون این که به آنان چیزی برسد، آسوده می شوند و با خیال راحت بر می گردند.

آقای دیگری می گفت، مدت ها، به فقر و گرفتاری مبتلا بودم. چهل روز به امام زمان (عج) متوسل شدم و به آن حضرت عریضه نوشتم و در آب جاری انداختم. روز آخر، صدایی شنیدم که مرا با نام و نام پدر خواند و گفت: «خیال می کنید ما از حال شما مطلع نیستیم؟!». بدون این که خبری بدهد، آن صدا، سوز دل مرا آرام کرد، مثل این که آب روی آتش بریزند.*

۹۷. موانع ارتباط با حضرت

اگر بدانیم در محضر «عين الله الناظرة»^۱ هستیم، آیا روی آن را داریم که برای زیارت حضرت غایب (عج) اجازه بخواهیم، با این که با خواسته های واضح او مخالفت می کنیم، نماز و روزه را ترک، و غیبت و

*. ۶۰۰ نکته ص ۳۳۰

۱. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۴؛ توحید صدوق، ص ۱۶۷؛ معانی الاخبار، ص ۱۶.

۹۲ □ امام زمان علیه السلام در کلام آیت الله بهجت

ایضا می‌کنیم؟ آیا می‌خواهیم به ما بفرماید:

«أَبَحْتُ لَكُمْ الْمُحَرَّمَاتِ وَ أَسَقَطْتُ عَنْكُمْ الْوَاجِبَاتِ؟^۱»

مقصود این که چه می‌شد به واسطه بندگی خدا، روابط ما با آن آقا

«حجة بن الحسن (عج)» محفوظ می‌ماند؟

دیگران نگذاشتند، هر چند ما هم مقصریم و نخواستیم اتصال میان ما و

آن حضرت محفوظ باشد، وگرنه هر کس یک ارتباط و اطمینانی پیدا

می‌کرد و روزی می‌آمد و توبه می‌کرد و تابع او عاقبت به خیر می‌شد.*

۱. «حرام‌ها را برای شما حلال نمودم و واجبات را از شما برداشتم.»

*. ۶۰۰ نکته، ص ۳۰۵.

«منابع»

۱- ۶۰۰ نکته در محضر حضرت آیه الله العظمی بهجت،

محمد حسین رخشاد.

۲- برگگی از دفتر آفتاب، رضا باقی زاده

۳- به سوی محبوب، سید مهدی ساعی

۴- فیضی از ورای سکوت، مسعود دلاور تهرانی

۵- طریق سیر و سلوک الی الله، عباس سلامی پور

۶- خاطرات آیه الله مصباح از آیه الله بهجت، محسن

غرویان.